

گزارش پستی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های
سلامت اداری و مبارزه با فساد

۱۰۹

رسانه های جمعی

بازوی کمک

دستگاه های نظارتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گزارش پژوهش

سال یازدهم، شماره ۱۰۹، خرداد ۱۳۹۷

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

نام گزارش: رسانه‌های جمعی؛ بازوی کمکی دستگاه‌های نظارتی

تنظیم و نگارش: دکتر رضا عارف

شمارگان: ۳۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: خرداد ۱۳۹۷

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسندگان آن است و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نیست.

کلیه حقوق مربوط به این گزارش به سازمان بازرسی کل کشور تعلق دارد و هرگونه انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از سازمان، غیرمجاز است.

فهرست مطالب

۷.....	اشاره.....
۸.....	بخش اول: مقدمه‌ای بر پژوهش تأثیر آزادی رسانه بر فساد.....
۹.....	ماهیت فساد اداری خُرد و کلان.....
۱۳.....	رسانه‌های جمعی.....
۱۴.....	سازوکار عملکرد رسانه‌های جمعی.....
۱۶.....	بخش دوم: افشای فساد، آزاد: تأثیر آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه
۱۹.....	خدمات آنلاین دولتی، بر فساد.....
۲۰.....	بیان مسأله.....
۲۱.....	نقش رسانه جمعی در کنترل فساد.....
۲۷.....	محدود کردن فساد از راه افزایش دسترسی به اینترنت.....
۳۱.....	محدود کردن فساد از راه ارائه خدمات دولتی آنلاین.....
۳۴.....	اثرات بلند مدت.....
۳۵.....	روش.....
۳۵.....	بررسی اجمالی و نمونه.....
۳۷.....	سنجه‌ها.....
۴۲.....	نتایج.....
۴۶.....	بحث و بررسی.....
۵۳.....	منابع فارسی.....
۵۴.....	منابع انگلیسی.....

اشاره

برخی صاحب‌نظران عرصه مدیریت، بر این باورند که مدیریت یعنی هنر انجام کارها به‌دست دیگران؛ بنابراین سخن، می‌توان این پرسش را طرح کرد که آیا در عرصه نظارت، پیشگیری و مبارزه با فساد، دستگاه‌های نظارتی می‌توانند دست‌کم بخشی از کار نظارت را به‌دست دیگری (غیر دستگاه نظارتی) انجام دهند یا خیر؟ آیا دستگاه‌های نظارتی می‌توانند از بخش‌های غیر نظارتی جامعه، و به‌طور مشخص، از رسانه‌های جمعی، برای نظارت، پیشگیری و مبارزه با فساد اداری استفاده کنند؟ آیا می‌توان به مدیریت حوزه رسانه‌های جمعی برای مقابله با فساد اداری چشم‌داشت و دست‌کم بخشی از فرایند نظارت را به‌دست رسانه‌های جمعی انجام داد؟ واقع این است که رسانه‌های جمعی به‌واسطه ماهیتی که سازوکار عملکردشان نشان می‌دهد، و دو خصیصه ابهام‌زدایی از جریان‌های امور و مقبولیت‌زدایی اجتماعی از مفسدین اداری، واجد توان بالقوه مقابله با فساد اداری، و در کنار آن دارای توان کاستن از هزینه‌های سنگین ناشی از فرایندهای نظارتی هستند؛ این مدعا هم از راه استدلال عقلی و هم پژوهش‌های آماری که در سطوح بین‌المللی، درخصوص تجربیات کشورهای مختلف صورت گرفته است، قابل ارزیابی و پذیرش است.

گزارش پیش‌روی، علاوه بر ارائه ماحصل یکی از پژوهش‌های آماری و بین‌المللی درخصوص تأثیر رسانه‌های جمعی در مقابله با فساد، تلاش می‌کند تا ضمن مقدمه‌ای به تبیین عقلانی (نه تجربی) از چرایی وجود چنین توان تأثیرگذاری در رسانه‌ها، بپردازد و نشان دهد که چه علت یا عللی رسانه‌های جمعی را چنین توانمند و به‌کارگیری آن‌ها را صرفه‌جویانه می‌سازد.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

بخش اول:

مقدمه‌ای بر پژوهش تأثیر آزادی رسانه بر فساد

درباره نقش رسانه‌های جمعی سالم، در نظارت، پیشگیری و مبارزه با فساد اداری یا امکان به کارگیری رسانه‌های جمعی سالم به عنوان بازوهای کمکی برای دستگاه‌های نظارتی و مشخصاً سازمان بازرسی کل کشور، از یک منظر می‌توان به این مسائل پرداخت که:

تجربه سایر کشورها یا همان تجربه جهانی در به کارگیری رسانه‌های جمعی چه می‌گوید؟ به تعبیر دیگر بنا بر پژوهش‌های بین‌المللی، نسبت میان کارکرد رسانه‌های جمعی با مقوله‌هایی چون؛ نظارت، پیشگیری و مبارزه با فساد اداری چیست؟ پاسخ پرسش بالا می‌تواند به مثابه چراغی فراوری مسئولین ذی‌ربط باشد تا این پرسش مهم را طرح و پیگیری نمایند که:

«چگونه می‌توان در راه نظارت، پیشگیری و مبارزه با فساد از رسانه‌های جمعی به عنوان بازوهای کمکی برای دستگاه‌های نظارتی، نهایت بهره را برد؟»
گزارش پژوهشی پیش‌روی، گزارشی است از ماحصل یک پژوهش بین‌المللی، درباره تأثیر آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی، بر فساد. پیش از پرداختن به پژوهش یادشده و به منظور، آماده‌سازی ذهن خواننده برای ورود به بحث، چند پرسش زیر به طور مختصر طرح و پاسخ داده می‌شود:

۱. ماهیت فسادهای اداری خُرد و کلان چیست؟
۲. منظور از رسانه‌های جمعی چیست؟
۳. سازوکار عملکرد رسانه‌های جمعی چگونه است که می‌توانند در فرایند نظارت، پیشگیری و مبارزه با فسادهای خرد و کلان اداری مؤثر باشند؟

با بررسی و پاسخ به پرسش‌های بالا، می‌توان پژوهش بین‌المللی «تأثیر آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی، بر فساد» را برای آگاهی خواننده از تجربه‌های جهانی، گزارش کرد.

ماهیت فساد اداری خرد و کلان

بیان ماهیت فساد اداری خرد و کلان مستلزم روشن شدن سه مفهوم زیر است:

✓ کار، فعل یا عمل اداری

✓ فساد اداری

✓ فساد اداری کلان^۱ و خرد

• کار، فعل یا عمل اداری، کارهایی است که توسط افراد یک سازمان، براساس یک سلسله مبنایی، به نحو آگاهانه و هماهنگ شده، برای نیل به اهدافی معین، انجام می‌شود. آگاهانه بودن هماهنگی میان افراد سازمان، از «مدیریت» نشأت می‌گیرد^۲؛ به دیگر سخن مدیر به پشتوانه قانون، با ابزارها و امکانات در اختیار، نقش هماهنگ‌سازی افراد سازمان و آگاهی دادن به ایشان درخصوص این هماهنگی را به عهده دارد. هر سازمانی به‌عنوان یک سیستم اجتماعی نیازمند هماهنگی و سازمان‌دهی است؛ یعنی نیازمند نظم‌آفرینی است^۳؛ این نظم‌آفرینی یا همان سازمان‌دهی، ازجمله مهم‌ترین وظایف مدیر است^۴ که طی آن، موارد زیر تعیین می‌شود؛

(۱) اینکه هرکس در سازمان، چه وظایفی را انجام خواهد داد؟

1. Grand Corruption

۲. رک: پورعزت، علی اصغر، طاهری عطار، غزاله، ۱۳۹۲، سازمان‌دهی و طراحی ساختار، تهران، سمت، ص ۸.

۳. رک: همان.

۴. رک: همان، ص ۱۰.

۲) اینکه تصمیم‌گیری در کجای سازمان صورت خواهد گرفت؟

۳) اینکه هرکسی به چه کسی گزارش خواهد داد؟

۴) اینکه چگونه بخش‌های مختلف سازمان، برای رسیدن به هدف مشترک، خود را هماهنگ خواهند ساخت؟^۱

در تمام مراحل و وظایف بالا، مدیر نقش فرمان‌دهنده و راهبر را دارد و کارکنان نقش فرمان‌بردار را ایفا می‌کنند که سامان کار آن‌ها منوط به فرمان‌دهندگی یکی و فرمان‌برداری دیگری است.

با دقت در وظایف بالا معلوم می‌شود که از یک منظر سازمان‌دهی، در واقع، رفع ابهام است؛ ابهامی که بستر و زمینه وقوع فساد اداری و مأوی و پناهگاه مفسدین است. رفع این ابهام از طریق پردازش اطلاعات ممکن می‌گردد.^۲ تعیین سیستم ارتباطی، تعیین تعداد نیروی انسانی هر واحد و تخصیص آن‌ها، میزان منابع و بودجه، همه و همه در ضمن فرایند سازمان‌دهی، رفع ابهام می‌شود.^۳ در فرایند «سازمان‌دهی»، شبکه‌ای از ارتباطات به وجود می‌آید که به آن «ساختار سازمانی» گویند.^۴

۱. رک: همان، ص ۱۱.

۲. رک: همان، ص ۱۱-۱۲.

۳. رک: همان، ص ۱۰. / همچنین رک: رضائیان، علی، ۱۳۸۳، اصول مدیریت، تهران، سمت، ص ۱۳۸؛ از این پس این منبع به اختصار «اصول مدیریت» خوانده می‌شود.

۴. رک: سازمان‌دهی و طراحی ساختار، ص ۴۷؛ درواقع «ساختار» ماحصل «سازمان‌دهی» است. «سازمان‌دهی» یک فرایند است اما «ساختار» یک فراورده است. ساختار، مفهومی انتزاعی است و انتزاعی بودن مفهوم ساختار، درک ماهیت آن را دشوار می‌کند. ذهن آدمی به تصور صورت‌های امور غیرذهنی و تحلیل آن صورت‌ها گرایش و تمایل دارد؛ از این‌رو هنگام طرح بحث از مفهوم «ساختار»، غالباً به خطا «ساختمان فیزیکی» (قابل رؤیت) یا «نمودار سلسله مراتب»ی سازمان، به‌عنوان «ساختار» سازمان، به اذهان‌خطور می‌کند؛ این درحالی است که ساختار، به‌دلیل انتزاعی بودن، در عالم واقع (عالم خارج از ذهن)، قابل‌رؤیت نیست، بلکه ازطریق پیامدها و آثارش شناسایی و ارزیابی می‌شود.

با توجه به سخن فوق می‌توان گفت که هم کارهای هماهنگ و هدفمندی که افراد یک سازمان انجام می‌دهند و هم هماهنگ‌سازی، سازمان‌دهی و ساختارسازی که مدیریت یک سازمان به عهده دارد، همگی کارهای اداری بشمار می‌آید و مجموعاً ذات و ماهیت کار اداری را تشکیل می‌دهند.

در بحث نقش رسانه‌های جمعی در نظارت، پیشگیری و مبارزه با فساد اداری از میان لازمه‌های کار اداری، «رابطه رئیس و مرئوس بودن» میان مدیر و کارکنان که مستلزم مشروعیت ریاست مدیر و مقبولیت آن است، «وظیفه ابهام‌زدایی مدیر» (در بحث سازمان‌دهی)، «آگاهانه بودن هماهنگی میان کارکنان»، «گزارش‌دهی» یا به دیگر سخن «پاسخگویی» و درنهایت «معین بودن اهداف سازمان»، مهم‌ترین لازمه‌های کار اداری مرتبط با «وظایف و کارکرد رسانه‌های جمعی» و «فساد اداری» هستند؛ از این‌رو می‌توان نسبت میان این لازمه‌ها با «کارکردهای رسانه‌های جمعی» و با «فساد اداری» را به بحث گذاشت.

- فساد اداری؛ به تصریح قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، «فساد اداری» عبارت است از :

«هرگونه فعل یا ترک فعلی که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و باهدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید. نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و

انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی.^۱

بنابر تعریف بالا، و با توجه به مصادیق فساد اداری می‌توان تصدیق کرد که ارتکاب فساد اداری مستلزم برخورداری از سمت و جایگاهی اداری است؛ هرچند این پست و سمت، عالی‌رتبه نباشد. روشن است که سمت‌های اداری، جایگاه‌هایی هستند که براساس قانون و پذیرش طرفینی، تعیین می‌شوند و کارکرد خود را می‌یابند؛ پس می‌توان با عباراتی دیگر مدعی شد که ارتکاب فساد اداری مستلزم برخورداری فرد از حداقل جایگاه اداری مشروع و مقبول است.

- فساد کلان^۲: بنابر تعریف سازمان بین‌المللی شفافیت، «فساد کلان» عبارت است از:

سوءاستفاده از قدرت/یا اختیارات/سطح بالای اداری/که از طریق تحمیل

هزینه بر جمعیت زیادی، موجب زیان جدی و گسترده به اشخاص و جامعه می-

شود، و در عوض افراد معدودی را منتفع می‌گرداند و اغلب بی‌کیفر می‌ماند.^۳

دقت در تعریف فساد کلان، این نکته را روشن می‌کند که نمی‌توان و نباید خاستگاه فساد کلان را در هر جایی از یک ساختار سازمانی جستجو کرد و یافتن آن را متوقع بود؛ بلکه سخن از فساد کلان در مورد آن بخش‌هایی از ساختار که در تقسیم‌کار و تعریف و تفویض اختیارات، فاقد اختیارات و قدرت سطح عالی، معرفی شده‌اند، سالبه به انتفاء موضوع است و تلاش در این زمینه خطایی راهبردی است.

۱. رک: قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، مصوب ۱۳۹۰/۸/۷، بند الف ماده ۱.

2. Grand Corruption

3. See: https://www.transparency.org/news/feature/what_is_grand_corruption_and_how_can_we_stop_it [2017/17/10];

"Grand corruption is the abuse of high-level power that benefits the few at the expense of the many, and causes serious and widespread harm to individuals and society. It often goes unpunished."

فسادکلان، در ساختارهای کوچک یا ساختارهای نامتمرکز، توان رشد ندارد؛ از این‌رو انتظار یافتن فساد کلان در چنین ساختارهایی و جستجو در این باره، به‌دلیل ائتلاف وجوه و اموال و صرف نابجای هزینه، خود فساد جدی‌تر به‌شمار می‌آید. نکته قابل‌توجه در تعریف فساد کلان، این است که سنخ و گوهر قوام‌بخش فساد کلان نیز، «سوءاستفاده از قدرت» است این قدرت، قدرتی است که به‌واسطه تفویض قانونی اختیارات سطح بالا، به فرد و با پذیرش جمع حاصل آمده است.

- فساد خُرد؛ طبعاً با مشخص شدن مفهوم و قلمرو «فساد کلان»، هر فساد اداری خارج از این مفهوم و قلمرو، «فساد خُرد» به‌شمار می‌آید.

رسانه‌های جمعی

در این بخش باید روشن شود که «منظور از رسانه‌های جمعی چیست؟» رسانه‌های جمعی، وسایل و فناوری‌هایی است که امکان رساندن پیام یک یا چند نفر به یک یا چند مخاطب را فراهم می‌سازد و مصادیق آن مشخصاً عبارت است از: روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات و امثال این‌ها.^۱

این پیام‌رسان‌ها و وسایل ارتباطی، فرایند و جریانی از داده‌ها و اطلاعات را در جامعه موجب می‌شوند که در خلال گردش اطلاعات و داده‌ها، آن به آن، بر شفافیت و وضوح این داده‌ها و اطلاعات افزوده می‌شود درست مانند آبی که در فرایند حرکت در بستر رودخانه از میزان کدورت آن کاسته و بر زلالیت و شفافیت آن افزوده می‌گردد. گردش

۱. رک: ساعی، منصور، طرح پژوهشی «شناسایی موانع فراروی رسانه‌های جمعی در نقش‌آفرینی نظارتی بر سازمان‌های دولتی»، سازمان بازرسی کل کشور (مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد)، سال ۱۳۹۱، ص ۲۰.

اطلاعات، به واسطه آنکه موجب می‌شود تا اطلاعات در معرض نقد و داوری افکار عمومی جامعه قرار گیرد، بر شفافیت آن می‌افزاید و عدم گردش بر استمرار ابهام در اطلاعات اثر دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که ازجمله مهم‌ترین تبعات به‌کارگیری رسانه‌های جمعی کمک به نقد، ارزش‌یابی و در نتیجه ایجاد شفافیت در اطلاعات و آگاهی‌های آحاد جامعه است. حاصل این فرایند تغییر نگرش عموم است.

مطالبات جامعه، ازجمله اطلاعات در حال گردش در سطح جامعه است که به وساطت رسانه‌های جمعی به مسئولین ذی‌ربط منتقل می‌شود و قسم دیگر از اطلاعات در حال گردش، واکنش‌های مسئولین ذی‌ربط به مطالبات یادشده است که خود در قالب اطلاعات به آحاد جامعه منتقل می‌شود؛ این فرایند دوجانبه مطالبه‌گری مردم و پاسخگویی مسئولین را رقم می‌زند.

رسانه‌ها دو خصیصه و کارکرد مهم دارند یکی کمک به شفاف‌سازی و دیگری ایجاد زمینه مناسب برای تغییر نگرش مخاطبین.

سازوکار عملکرد رسانه‌های جمعی

پیش از این روشن شد که منظور از «کار اداری»، «فساد اداری»، «فساد کلان»، «فساد خُرد» و «رسانه‌های جمعی» چیست. اینک پرسش مهم این است که:

«سازوکار عملکرد رسانه‌های جمعی چگونه است که می‌توانند در فرایند

نظارت، پیشگیری و مبارزه با فسادهای خُرد و کلان اداری مؤثر باشند؟»

آنچه در توضیح مفاهیم؛ «کار اداری»، «فساد اداری»، «فساد کلان»، «فساد خُرد»، «مشروعیت» و «رسانه‌های جمعی» بیان شد، خواننده را به گزاره‌هایی به شرح ذیل رهنمون می‌شود که این گزاره‌ها پاسخ به پرسش بالا را تسهیل می‌کند:

۱. در کار اداری رابطه رئیس و مرئوس محور است که نیازمند وجاهت قانونی و مشروعیت شخص نزد زیردستان یا نزد ارباب رجوع است.
۲. وظیفه مدیر واجد مشروعیت، رفع ابهام از سیستم ارتباطی و ساختار، اهداف، تعداد نیروی انسانی هر واحد و نحوه تخصیص آن‌ها، میزان منابع و بودجه و روش گزارش‌دهی یا همان پاسخگویی است.
۳. وقوع فساد اداری اعم از خُرد و کلان مستلزم برخورداری حداقل‌های قدرت و جایگاه اداری برای انجام کار اداری است که این حداقل‌ها به پشتوانه قانونی و پذیرش جمعی به‌دست می‌آید. به هر اندازه این قدرت افزایش می‌یابد فساد از صورت خُرد به کلان تغییر می‌کند.
۴. سنخ و گوهر قوام‌بخش فساد کلان، «سوءاستفاده از قدرت» است؛ قدرتی که از مجموع تفویض قانونی اختیاراتِ سطح بالا به فرد، بعلاوه پذیرش این قدرت توسط جمع، حاصل می‌آید.
۵. ازجمله کارکردهای رسانه‌های جمعی؛ یعنی روزنامه، کتاب، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات، گردش اطلاعات و کمک به نقد، ارزش‌یابی و در نتیجه ایجاد شفافیت در اطلاعات و آگاهی‌های آحاد جامعه است. آگاهی‌هایی که از «چستی مطالبات مردمی» گرفته تا «واکنش‌ها و پاسخ‌های مسئولین» را نیز شامل می‌شود.
۶. رسانه‌های جمعی دست‌کم دو کارکرد مهم دارند یکی کمک به ابهام‌زدایی یا همان شفاف‌سازی و دیگری زمینه‌سازی برای تغییر نگرش مخاطبین. نگاهی به گزاره‌های یادشده نشان می‌دهد که رشته اتصال «کار اداری»، «فساد اداری خُرد» و «فساد اداری کلان»، این است که هر سه مفهوم با مفهوم «مشروعیت/

مقبولیت» و «شفافیت» نسبت و رابطه‌ای دارند؛ به‌طوری‌که مثلاً در کار اداری و رابطه میان رئیس و مرئوس، یا کارمند و ارباب‌رجوع، این مقبول بودن نزد مرئوسان یا نزد ارباب‌رجوع شرط است؛ یعنی تا زمانی‌که مرئوسان، رئیس را و ارباب‌رجوع‌ها کارمند را قبول نداشته باشند، به‌دلیل فقدان متابعت، کار اداری چنانکه باید، پیش نمی‌رود؛ به همین ترتیب درمورد «فساد اداری خرد» و «فساد اداری کلان» نیز تا زمانی‌که قدرت در کار نباشد شخص مفسد و مجرم، نمی‌تواند مرتکب فساد شود؛ این درحالی است که قدرت موردنیاز در اینجا، همان قدرت ناشی از وجاهت قانونی و مقبولیت نزد مردم است که در سلسله‌مراتب اداری از بالا (یعنی رأس دولت) به پایین (یعنی سمت‌های پایین اداری) تسری می‌یابد؛ بنابراین مفهوم «مشروعیت/مقبولیت» مفهومی محوری است. از سوی دیگر سه مفهوم یاد شده با «شفافیت» هم نسبت وثیقی دارند به‌طوری‌که «شفافیت» در «کار اداری»، ضامن سلامت اداری است و فقدان این شفافیت زمینه‌ساز و بستر مناسبی برای وقوع مفاسد اداری خُرد و کلان؛ جالب اینکه «مشروعیت» و «شفافیت» به‌عنوان رشته‌های اتصال، درست همان دو موضعی هستند که رسانه‌های جمعی با پرداختن به آن‌ها عرصه را برای وقوع فساد اداری تنگ می‌نمایند.

رسانه‌های جمعی به‌واسطه ماهیت کارکردشان، از یک‌سو فضای اداری در دستگاه‌های اجرایی را به‌سوی شفافیت بیش‌ازپیش سوق می‌دهند و شرایط را برای مفسدین اداری اعم از خُرد یا کلان به‌گونه‌ای دگرگون می‌سازند که امکان ارتکاب فساد از سوی آن‌ها به حداقل‌های ممکن کاهش می‌یابد؛ و از سوی دیگر در نظارت، پیشگیری و مبارزه با فساد، نقطه حساس و پاشنه آشیل مفسدین اداری را که همان «مشروعیت» بقای آن‌ها در یک سمت یا جایگاه اداری است، هدف قرار می‌دهند.

مفسد اداری برای آنکه بتواند دست به فساد بزند باید از قدرت و جایگاه اداری-هرچند اندک- برخوردار باشد، قدرت و جایگاهی که قانون به وی واگذار کرده باشد و این قدرت و جایگاه از سوی نیروهای انسانی تحت فرمان وی در دستگاه اداری یا از سوی ارباب‌رجوع‌ها موردقبول و پذیرش قرارگرفته باشد؛ حال اگر رسانه‌های جمعی به‌عنوان ناظرین عملکرد یک صاحب قدرت (صاحب سِمَت)، در دستگاه اداری، فساد را کشف کنند و خبر آن را به سطح آگاهی و افکار عمومی برسانند و باب گفت‌وگو، نقد و ارزیابی عمومی آن عملکرد را بازکنند، نخستین سرمایه‌ای که برای مفسد اداری در معرض خطر قرار می‌گیرد و چه‌بسا به‌طور کامل از دست برود، مشروعیت و مقبولیت اجتماعی وی است که لازمه بقای وی در جایگاهی است که آن جایگاه به او امکان ارتکاب آن فساد را می‌دهد؛ بنابراین از دست رفتن مقبولیت اجتماعی مساوی است با از دست رفتن امکان ارتکاب فساد اداری؛ خواه مفسد بخواهد ارتکاب فساد را کنار بگذارد؛ خواه نخواهد.

کاری که رسانه‌های جمعی انجام می‌دهند این است که از دو بالی که هر مفسد اداری برای پرواز در آسمان آمال و آرزوهای مفسدانه خود بدان‌ها نیاز دارد دست‌کم یکی را جدا می‌کنند و سقوط وی را رقم می‌زنند.

«ابهام‌زدایی» و «مشروعیت‌زدایی» اصلی‌ترین کارکردهای رسانه‌ها در مبارزه با فساد اداری است. ابهام‌زدایی، ماحصل گردش آزاد اطلاعات، و به دنبال آن موردنقد و داوری عموم قرارگرفتن فرایندها و عملکردها است و مشروعیت‌زدایی پیامد تغییر نگرش‌ها، باورها و احساس عموم جامعه نسبت به مرتکبین فساد است؛ از این‌رو غالباً در پژوهش‌هایی که با محوریت «نقش رسانه در مبارزه با فساد اداری» انجام می‌شود، پژوهشگر یا پژوهشگران تلاش می‌کنند تا با ارائه آمار و ارقام، نشان دهند که؛ چگونه به‌کارگیری رسانه‌های جمعی در شفاف‌سازی فرایندها یا سلب مشروعیت، بی‌آبرو کردن و

درنهایت استعفای مفسدین مؤثر بوده است؟ نمونه بارز چنین رویکردی، پژوهشی است که در ادامه ذیل بخش «رسانه‌های جمعی و تجربه‌های جهانی» ارائه می‌گردد.

بخش دوم:

افشای فساد، آزاد: تأثیر آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی، بر فساد^۱

رسانه آزاد، به مثابه نهادی در نظام مبتنی بر تفکیک قوا، نقشی حیاتی در جهت کنترل فساد ایفا می‌کند. علاوه بر این، رشد جهانی دسترسی به اینترنت و دولت الکترونیکی، احتمال شناسایی مقامات دولتی فاسد را افزایش می‌دهد. این مطالعه فراملی از داده‌های ثانویه مربوط به ۱۵۷ کشور بهره می‌برد و تأثیر آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی بر فساد را مورد آزمون قرار می‌دهد. آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی، به میزان قابل توجهی فساد را در سطح کشور کاهش می‌دهد. در همان حال که تأثیر دسترسی به اینترنت در خلال گستره زمانی مورد تحلیل؛ یعنی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳، به طور نسبی ثابت می‌ماند، تأثیر صرف ارائه خدمات آنلاین دولتی، در سال ۲۰۱۳ نمایان می‌شود. اثر متقابل و معنادار میان دو متغیر وابسته به اینترنت نیز از جمله یافته‌های این تحقیق است.

۱. در این بخش مقاله «افشای فساد، آزاد: تأثیر آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی، بر فساد» نوشته سه نویسنده؛ کریستوفر استارک Christopher Starke (آلمان، دانشگاه مانستر) ترپسا. کی. ناآب Teresa K. Naab (آلمان، دانشگاه آوگسبرگ) هلموت شیرر Helmut Scherer (آلمان، دانشگاه موسیقی، نمایش و رسانه هانوفر) ارائه می‌شود.

بیان مسأله

فساد، مشکلی جهانی و فراگیر، با اثرات زیان بار بر عملکرد اقتصادی، ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی است. (هلمن، جونز، کافمن، و شانکرمن، ۱۹۹۹؛ مارو، ۱۹۹۵؛ نای، ۱۹۹۷) برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP, 2008) فساد را «سوءاستفاده از قدرت محوله، در جهت کسب منافع شخصی» تعریف می کند. (ص ۱۸).

نمونه های اخیر افشای فساد مرتبط با «اسناد پاناما»، این امید را قوت می بخشد که رسانه جمعی آزاد، به ویژه اینترنت، بتواند نقشی حیاتی در فرایند کنترل فساد ایفا کند. آمار ارائه شده از شمار روبه رشد کاربران اینترنت، تلفن های همراه قابل اتصال به اینترنت، خدمات آنلاین عمومی و توان اینترنت در مبارزه با فساد، محرک دقیق و ارزشمندی است.

این مقاله به منظور درک عمیق نسبت میان رسانه های سنتی و جدید با فساد^۱، نخست با شرح نقش رسانه در کنترل فساد و تصریح به اهمیت آزادی رسانه در این فرایند، مباحث نظری را مشخص می نماید. سپس درخصوص اینکه چگونه افزایش دسترسی به اینترنت می تواند فساد را کاهش دهد بحث می کند. علاوه بر این، مقاله حاضر، توان دولت ها در به کارگیری فعالانه فناوری های اطلاعات و ارتباطات در ارائه خدمات آنلاین و در نتیجه، مبارزه با فساد را مورد بحث قرار می دهد.

این تحقیق، ادبیات موجود را در سه بُعد مهم بسط می دهد:

بُعد نخست؛ مطالعات جدید، هم تأثیرات رسانه آزاد و هم تأثیرات رشد رسانه دیجیتالی را با هم ادغام می کند. خصوصاً، تأثیر خدمات دولتی الکترونیکی بر فساد، که

۱. فساد هم در بخش خصوصی و هم در بخش عمومی رخ می دهد (آرگاندونا، ۲۰۰۳). این مقاله بر فساد در بخش عمومی تمرکز خواهد کرد.

به‌ندرت، به نحو تجربی بررسی شده است. (رک: برای موارد استثنا، کریشنا، تتو و لیم، ۲۰۱۳).

بعد دوم؛ این مطالعه به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی (GOSD) در تأثیرشان بر فساد – همان‌طور که مطالعات پیشین نشان می‌دهد – با هم تعامل دارند؟ (ال بهناسوی، ۲۰۱۴).

بعد سوم؛ این مطالعه پیشرفت‌های سریع فناوری‌های ارتباطی دیجیتالی را مدنظر قرار می‌دهد و اثرات آن‌ها را در خلال یک دوره ۱۰ ساله موردبررسی قرار می‌دهد. اگرچه تغییرات اساسی چشم‌اندازهای رسانه، در خلال یک دهه‌ی گذشته، احتمالاً سطوح فساد در سرتاسر جهان را تحت تأثیر قرار داده، اما غالباً جنبه‌های طولی^۱، در مطالعات پیشین مغفول واقع شده است. مقاله پیش‌روی، این فرضیات نظری را با تحلیل ثانوی داده‌های مربوط به ۱۵۷ کشور می‌آزماید و تأثیر رسانه بر فساد را در سه سال ۲۰۰۳، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ با هم مقایسه می‌نماید.

نقش رسانه جمعی در کنترل فساد

در جوامع مدرن، رسانه‌های جمعی آزاد، یک عامل بیرونی در مبارزه با فساد هستند.^۲ رسانه‌ها می‌توانند نهادی درجهت تفکیک قوا باشند. رسانه‌ها به‌عنوان یک دسته چهارم، هماهنگی میان قوانین مردم‌سالارانه، ارزش‌ها و هنجارها را دیدبانی می‌کند. از آنجاکه رسانه‌های جمعی، برخلاف سه قوه نهادینه شده (یعنی دستگاه‌های مقننه، مجریه و قضائیه) هیچ ابزار رسمی برای تعیین مجازات در قبال تخلفات مقامات دولتی

1. longitudinal

2. Brunetti and Weder (2003) further consider internal factors within organizations (e.g., meritocracy and promotion) and indirect factors (e.g., culture) to explain corruption.

فاسد ندارند؛ لذا کنترل همگانی خود را، به صورت غیرمستقیم، اعمال می کنند. (استیپن-هرست، ۲۰۰۰). رسانه ها این نقش را از شش راه عمده ایفا می کنند.

راه نخست اینکه رسانه ها به مثابه نگهبانانی، تصمیم سازان عرصه سیاست را پاسخگوی اقداماتشان نگه می دارند. به این ترتیب رسانه ها از طریق بررسی کردن و گزارش دادن وقوع فساد، که بررسی های دستگاه های رسمی و صدور مجرمیت بازیگران فاسد عرصه سیاست را در پی خواهد داشت، می توانند دادستانی ها را یاری کنند (کاماج، ۲۰۱۲، ص ۲). هنگامی که خود قوای نظارتی نهادینه شده، طعمه فساد می شوند و نمی توانند مجازات ها را به گونه ای مؤثر اعمال کنند، غالباً رسانه های مستقل و منتقد، به عنوان دستگاه نظارتی، نقش آن ها را به نحو کارآمدتر از دستگاه های قانون گذار، اجرایی و قضایی، بازی می کنند. (استیپن هرست، ۲۰۰۰). رسانه های جمعی با شناساندن مقامات دولتی فاسد، در پاسخگویی عمودی - که شدler (۱۹۹۹) آن را سازوکار کنترل قدرت میان بازیگران قدرتمند عالی رتبه و بازیگران ضعیف تر دوز پایه توصیف می کند - مشارکت می کنند؛ به عنوان نمونه، بلافاصله در پی افشای «اسناد پاناما»، و اعتراضات عمومی، نخست وزیر ایسلند «سیگموندور داوین گنلاسون»^۱ مجبور به استعفا شد. این مورد نشان می دهد که وقتی جامعه مدنی از رهبران منتخب خود پاسخگویی را مطالبه می کند، رسانه ها می توانند در این راه تأثیر شایسته ای داشته باشند. احتمال افشای فساد در رابطه میان بخش خصوصی با بخش عمومی، توسط رسانه ها، بیشتر است؛ چراکه بیداری همگانی، آبروی مقامات منتخب بخش عمومی را به خطر می اندازد. حال آنکه فعالان بخش خصوصی، بسیار کمتر به تأیید همگانی وابسته هستند و از این رو احتمال

تأثیر بر فساد در رابطه میان یک بخش خصوصی با بخش خصوصی دیگر، توسط پوشش رسانه‌های نقاد، کمتر است. (آرگاندونیا، ۲۰۰۳)

راه دوم اینکه، رسانه‌های جمعی تفکیک قوا میان بازیگران هم‌رتبه در عرصه قدرت را تقویت می‌کند. (پاسخگویی افقی؛ کاماج، ۲۰۱۲). خبرنگاران با فاش کردن معایب در دستگاه‌های ضدفساد، می‌توانند اصلاح این نهادها را مطالبه کنند و به این ترتیب تأثیر رسانه‌ها در مبارزه با فساد را افزایش دهند. (استپین‌هرست، ۲۰۰۰). مضافاً اینکه رشد آگاهی عموم درباره روند سازوکارهای نظارتی مبتنی بر پوشش رسانه‌ای، کار و مشروعیت دستگاه‌های ضدفساد دولتی را تقویت می‌کند و طرح سازمانی نظام سیاسی، را - که عامل تعیین‌کننده نهایی دانسته می‌شود - مستحکم می‌کند. (لیدرمن، لوآیزا و سورز، ۲۰۰۵، ص ۱۰-۱۱)

راه سوم اینکه، رسانه‌های جمعی، یک انجمن مدنی برای بیان شکایت‌ها و مشارکت در پروراندن عقاید جمعی ایجاد می‌کنند. رسانه‌ها با «برجسته کردن شکست‌های عرصه سیاست، سوء مدیریت مقامات دولتی، فساد در بخش قضایی و رسوایی در بخش خصوصی» (نوریس، ۲۰۰۴، ص ۱۱۹) می‌توانند چنان تنگنایی اجتماعی را ایجاد کنند که سیاستمداران فاسد را به استعفا و از دست دادن قدرت سیاسی وادار نمایند. این کمپین‌های معرفی و خوارکردن، بر آبروی هر بازیگر فاسد عرصه قدرت، تأثیر می‌گذارد و می‌تواند همراهی با قانون را افزایش دهد. (فیزمن و میگل، ۲۰۰۸). این تدابیر به‌ویژه در مبارزه با «اخاذی» مؤثر است و به شرایطی مربوط می‌شود که مقامات دولتی توان ردّ یا به تأخیر انداختن یک خدمت به‌منظور ستاندن مبلغی از ارباب‌رجوع در قالب «رشوه» را دارند. (بورتتی و ویدر، ۲۰۰۳، ص ۱۸۰۴) در این مورد، قربانی تمایلی به معرفی مُفسِد دارد. اما در مواردی که طرفین رشوه، از این

معامله فاسد بهره می‌برند، (فساد تبانی‌شده؛ بورنتی و ویدر، ۲۰۰۳) هیچ‌یک مایل به پیگیری قانونی این مورد نیستند. این امر رسانه‌های کنجکاو را می‌طلبد تا فعالانه به تلاش‌های ضدفساد مشغول شوند.

راه چهارم اینکه، رسانه‌های جمعی با گردآوری اطلاعاتی درباره فساد، در ایجاد جو عمومی و شفاف، میان جامعه که فساد را هم در سطوح سیستمی و هم در سطوح فردی کنترل می‌کند، مشارکت می‌کنند. (کلستاد و ویگ، ۲۰۰۹؛ لین‌اشتت و نورن، ۲۰۱۰) با این حال شفافیت به‌خودی‌خود برای کاهش فساد کافی نیست. «دسترسی گسترده به اطلاعات» مستلزم آن است که «توانایی پردازش این اطلاعات» و «انگیزه‌های کنش در قبال این اطلاعات پردازش‌شده» نیز به آن منضم شود. (کلستاد و ویگ، ۲۰۰۹، ص ۵۲۴). از این‌رو برخی از متخصصان درباره نسبت میان رسانه‌های خبری و فساد رویکرد نقادانه‌تری را اخذ می‌کنند. وایدیا (۲۰۰۵) شواهد تجربی را ارائه می‌کند، دال بر اینکه «توانایی حکومت‌ها در «وارونه‌سازی» اظهارات رسانه‌ها، می‌تواند بازدارندگی از فساد را مختل کند.» (ص ۶۶۷)

راه پنجم اینکه رسانه‌های نگهبان، می‌توانند تأثیر پیشگیرانه داشته باشند. (استپین-هرست، ۲۰۰۰) نظریه بازدارندگی، سه عامل جبر را معرفی می‌کند که افزایش کمی و کیفی فساد از آن سه انتظار می‌رود: الف) بالابودن میزان پاداش‌های بیرونی ب) ضعیف بودن احتمال کشف ج) کم بودن شدت کیفر (بکر، ۱۹۷۴). اگر رسانه‌ها نقش نگهبانانه خود را ایفاکنند، احتمال زیادی وجود دارد که تخلفات صاحب مناسب‌ها فاش شود و به خاطر پیگرد قانونی یا برای از دست دادن آبرو یا قدرتشان رنجیده‌خاطر شود. بدین‌سان، منافع شخصی فساد کاهش می‌یابد و مفسدین مستعد، در نقطه آغاز از ارتکاب فساد منع می‌شوند. با این حال موفقیت در پیشگیری از فساد در میان مقامات دولتی، مستلزم

آن است که سه مؤلفه «افشای رسانه‌ای»، «قوانین سختگیرانه ضدفساد» و «پیگرد قانونی عملی» از سوی نهادهای قضایی مقتدر، مکمل یکدیگر باشند. اگر نهادهای رسمی ضامن اجرای قانون، ضعیف یا حتی خودشان فاسد باشند، طبیعی است که مفسدین مستعد فساد، ترس از مجازات نداشته باشند. (پرسن راثین و تیورل، ۲۰۱۳)

ششم اینکه، استیپن هرست (۲۰۰۰) راه‌های دشواری را که [با آن‌ها] رسانه‌ها می‌توانند در مبارزه با فساد مشارکت نمایند نیز مشخص می‌کند. این راه‌ها عبارتند از:

آن دسته از تحقیقات مربوط به فساد که از جو اجتماعی

غالب ناشی از شدت کثرت‌گرایی سیاسی، بحث‌های عمومی

زنده و حس قوی پاسخگویی میان سیاستمداران، دستگاه‌های

دولتی و نهادهایی که ضرورتاً ثمرات و نتایج تبعی رسانه‌های

خبری پرتکاپو و مستقل هستند، برمی‌آیند. (ص ۲-۳)

مطالعات تجربی، با نشان دادن اینکه ذخیره اطلاعاتی، بر پاسخگویی (پسلی و برجس، ۲۰۰۲) و مسئولیت‌پذیری (خزائلی و استاکمر، ۲۰۱۳) دولت تأثیر مثبتی دارد و اینکه دسترسی عمومی به اطلاعات بازدارنده قوی در مقابل اعمال نفوذ محلی است، مدعای فوق را تأیید می‌کند. (ریی‌نیکا و اس‌ون‌سون، ۲۰۰۴) بعلاوه، خبرنگاران می‌توانند آگاهی از مشکلات مرتبط با فساد را بالا برند و هنجارهای اجتماعی راجع به فراگیری و داوری اخلاقی در باب رفتار مفسده‌آمیز را در جوامع شکل دهند. شواهد تجربی، اهمیت فرهنگ عمومی ضدفساد (فیزمن و میگل، ۲۰۰۸)، آگاهی از فساد (گوئل‌نلسون و نارتا، ۲۰۱۲)، و هنجارهای اجتماعی مشهود (کبیتی، ون‌پروین، ریگتی و ون‌لنگ، ۲۰۱۵) به عنوان ابزارهای مهم برای مبارزه با فساد را برجسته می‌کند.

به هر حال، رسانه‌ها به رغم توان بالقوه‌شان برای کنترل فساد، غالباً به تقویت پاسخگویی دولت، به شهروندان خود محدود می‌شوند. رسانه اغلب برای تقویت نظارت بر منافع مهم و نظارت بر دولت‌مردان بزرگ به کار گرفته می‌شوند. (نوریس، ۲۰۰۴، ص ۱۲۱)

رسانه باید، از محدودیت‌های قانونی، سیاسی و اقتصادی برای خبرنگاران آزاد باشد تا بتوانند فساد را افشا کنند. (اندیشکدهٔ سرای آزادی، ۲۰۱۵) حال آنکه آزادی رسانه، متاعی شکننده و از بین رفتنی است که غالباً توسط حکومت‌های تمامیت‌خواه و حتی در کشورهای مردم‌سالار، از میان می‌رود. آزادی رسانه در مواقع بحرانی می‌تواند سرکوب شود. (دوزنرُد، ۲۰۱۰). محدودیت‌های آزادی رسانه، ممکن است هم مستقیماً از طریق سانسورها، پیگردهای قضایی یا جمع‌آوری مطبوعات رخ دهد و هم به نحو غیرمستقیم از طریق خودسانسوری. خشونت‌های فیزیکی علیه خبرنگاران و ارباب آن‌ها غالباً اثرات بازدارنده کلی دارد که خبرنگاران تحقیقی را به خودسانسوری می‌کشاند. (دوزنرُد، ۲۰۱۰)

نسبت تجربی میان آزادی مطبوعات با فساد به خوبی مستند شده است. (کالن‌برن و لیزمن، ۲۰۱۳؛ نوریس، ۲۰۰۴). مطالعات چندی حاکی از آن است که آزادی سطح بالا، در عرصه مطبوعات، موجب پایین آمدن سطح فساد در کشور می‌شود. فریل، هاک و نلر (۲۰۰۷) از راه تمایز میان محدودیت‌های سیاسی، قانونی و اقتصادی، نسبت میان آزادی رسانه‌ها با فساد را با جزئیات بیشتری می‌سنجند. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که محدودیت‌های سیاسی تأثیر شدیدتری بر فساد دارد درحالی‌که تأثیرات تنگناهای قانونی ضعیف‌تر است. باین حال قانون آزادی اطلاعات^۱ نیز، ملازم با فساد

کمتر، است. (اسلام، ۲۰۰۶) مضافاً اینکه رابطه میان آزادی رسانه‌ها با فساد، در کشورهایی که قانون مصوّب آزادی اطلاعات دارند، رابطه قوی‌تری است. (نام، ۲۰۱۲). کاماج (۲۰۱۲) با ملاحظه محدودیت‌های سیاسی، درمی‌یابد که در کشورهای دارای نظام پارلمانی، میان آزادی رسانه‌ها با فساد ملازمه قوی‌تر از ملازمه‌ای که در کشورهای دارای نظام ریاستی هست، وجود دارد. (ص ۱). علاوه بر این استقلال اقتصادی رسانه‌ها و رقابت میان آن‌ها، به مبارزه بر ضدفساد کمک می‌کند. (سوفه-شِلَسای، ۲۰۰۵).

جانکو، مک‌لش، نِنووا و اشلیفر (۲۰۰۳) همبستگی قوی میان «مالکیت دولت بر رسانه» با «فساد» یافتند. حال آنکه مالکیت غیردولتی بر مطبوعات، با سطوح پایین‌تر فساد ملازمه دارد؛ زیرا شفافیت را افزایش می‌دهد و بازیگران عرصه سیاست را از ورود به فعالیت‌های فسادآمیز برحذر می‌دارد. (پسلی و پرات، ۲۰۰۶)

مطالعات فرابخشی، نمی‌تواند شاهدی دال بر رابطه علیت میان «آزادی رسانه‌ها» و «فساد» بیابد. اما تحلیل‌های توسعه‌ای و آزمون آماری گرانجر نشان می‌دهد که آزادی رسانه‌ها کاهش فساد را موجب می‌شود و نه برعکس. (آرند، ۲۰۰۲؛ برونّتی و ویدر، ۲۰۰۳). براساس این براهین نظری و شواهد تجربی فرض می‌کنیم:

فرض ۱: آزادی رسانه‌ها تأثیر منفی بر فساد داشت.

محدود کردن فساد از راه افزایش دسترسی به اینترنت

اینترنت به‌عنوان یک فناوری مهم ارتباطی و اطلاعاتی، در قیاس با هزینه‌اش وسیله‌ای مؤثر و راحت برای ترویج گشودگی و شفافیت و ابزاری برای کاهش فساد است. (برتو،

پی‌گر و گرایمز، ۲۰۱۰، ص ۲۶۴). ما درباره اینکه دسترسی به اینترنت از سه طریق عمده بر فساد اثر می‌گذارد بحث می‌کنیم.

نخست اینکه؛ چون سانسور و کنترل اینترنت از سانسور و کنترل رسانه‌های سنتی دشوارتر است، اینترنت می‌تواند رسانه‌های سنتی انحصاری را دور بزند و با تغییر در میزان دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به مقامات دولتی فاسد، فساد را کاهش دهد. (گوئل و همکاران، ۲۰۱۲). اینترنت انتشار تخلفات مقامات دولتی، به نحو ناشناس را نیز برای خبرنگاران تحقیقی آسان‌تر می‌کند. با کاهش مخاطرات پیگرد قانونی و آسیب‌های جسمانی، خبرنگاران می‌توانند خودسانسوری را از سر بگذرانند و دیگران را بر دسترسی آنلاین به اطلاعات قادر نمایند.

دوم اینکه؛ از اجازه اینترنت برای دسترسی به اطلاعات حرفه‌ای خبرنگاری که بگذریم، هجوم رسانه‌های اجتماعی، طی یک ده اخیر فرصت‌های تازه‌ای را درجهت تسریع در نشر اطلاعات توسط غیرحرفه‌ای‌ها، ایجاد کرد. شهروند خبرنگاران، وبلاگ نویسان سیاسی و اشخاص غیرمتخصص رابط، افزون بر تنوع منابع اطلاعاتی و ... می‌تواند شفافیت ایجاد کند. (برتو و همکاران، ۲۰۱۰). بدین‌سان، رسانه‌های اجتماعی، توان آشکارسازی فساد را دارند حتی هنگامی که رسانه‌های سنتی در انجام چنین کاری ناموفق هستند.

سالیوان (۲۰۱۳) به این نکته اشاره می‌کند که «ابتکارات کاربران معتاد به اینترنت، بسیج آنلاین افکار عمومی را آسان کرده است و دولت مرکزی را به مداخله برای جبران تخلفات سطح پایین‌تر واداشت» (ص ۲۴)؛ برای مثال، وبلاگ نویسان، مرتباً فساد را کشف می‌کنند، در حل مشکلات اجتماعی کمک می‌کنند و حتی مقامات دولتی را برای اعمال تغییر در سیاست، تحت فشار قرار می‌دهند.» (هسید، ۲۰۱۲، ص

(۲۱۲) بعلاوه سایت‌های شبکه‌های اجتماعی^۱ می‌توانند برای سازمان‌دهی آفلاین اقدامات علیه بازیگران فاسد عرصه سیاست، به کارگرفته شوند. (تافیچی و ویلسون، ۲۰۱۲).

ظهور جنبش‌های فناوریانه مدنی از قبیل «ipaidabribe.com»، «sunlightfoundation.com» و دیگر جنبش‌های فناوریانه مدنی، برای خدمت به تلاش‌های بر ضد فساد اختصاص داده می‌شود. این جنبش‌های فناوریانه مدنی با فراهم آوردن بنیادهایی برای جمع‌آوری داده‌های خام درباره مفاسد انفرادی، به پروردن شفافیت و تحت فشار قرار دادن مفسدین برای کناره‌گیری از سمت دولتی‌شان کمک می‌کنند.

سوم اینکه؛ توان اینترنت در انتشار اطلاعات مربوط به فساد، به کاربران اینترنت این اجازه را می‌دهد که به منابع رسانه‌ای متنوع‌تر، مستقل‌تر و غیررسمی دسترسی پیدا کنند. این امر افزایش مخاطره بازرسی را برای بازیگران عرصه سیاست بالا می‌برد. (اندرسون، پنتزن، دالگارد و سیلایا، ۲۰۱۱). بنابر نظریه بازدارندگی، این بالا رفتن مخاطره بازرسی باید اثر پیشگیرانه‌ای داشته باشد که از منزل نخست، ایشان را از ورود به فساد برحذر بدارد. (بکیر، ۱۹۷۴)

به هر حال، مطمئناً، صرف دسترسی به اینترنت برای مواجهه با اطلاعات مناسب درباره فساد، روشی ناکافی است. دسترسی به اینترنت باید با علاقه کاربران به اطلاعات مربوط به فساد، با توانایی کاربران در پردازش درست اطلاعات و با انگیزه کاربران برای اقدام علیه بی‌عدالتی مشهود منضم شود.

برخی محققان اثربخشی اینترنت را موردبررسی قرار می‌دهند تا درکل امکان به‌کارگیری فشار افکار عمومی را به کاربران بدهند. ایشان اغلب به فرضیه چندپارگی^۱ اشاره می‌کنند و استدلال می‌کنند که بیشتر تعاملات آنلاین، صرفاً دیدارهای افراد همفکر را شامل می‌شود که به یک حوزه عمومی خرد، متشکل از جزایر گفتگویی مجزا ختم می‌شود؛ یعنی جایی که مواضع و عملکردهای گروه‌ها بجای نقد صریح، تقویت می‌شود. (دالبرگ، ۲۰۰۷، ص ۸۲۸).

دیگرانی مدعی هستند که در کشورهای دارای آزادی رسانه‌ای محدود، رسانه‌های اجتماعی تنها هنگامی می‌توانند در پیشگیری از فساد سهیم باشند که منافع نخبگان سیاسی عالی‌رتبه در خطر نباشد. (تاوپفل، ۲۰۱۱). مک‌کینن (۲۰۰۷) نتیجه می‌گیرد:

*تالارهای گفتگو، اتاق‌های گپ‌وگفت، وبلاگ‌ها و ...
فضای کافی برای طرح طیف وسیعی از موضوعاتی را می‌دهد
که مردم با بحث درباره آن موضوعات می‌توانند خود را
درمورد فسادها یا بی‌کفایتی‌های دولت، تخلیه کنند، بنابراین
پیش از اینکه مردم گله‌ها و شکایات خود را به خیابان‌ها
بکشانند، راه‌های زیادی را برای کنترل خشم‌شان عرضه می-
کند. (ص ۳۳)*

مطالعات تجربی متعددی تأثیر اینترنت بر فساد را بررسی کرده است. با اینکه این مطالعات مقیاس‌هایی را به‌کار می‌برند که اندکی با هم تفاوت دارند (برای مثال، اخذ اینترنت، گسترش اینترنت، به‌کارگیری اینترنت)، اما نتایج، اهمیت دسترسی به اینترنت

برای کاهش فساد را نشان می‌دهد. از این گذشته، به‌کارگیری اینترنت شفافیت و پاسخگویی را افزایش می‌دهد. (خزائی و استاکمر، ۲۰۱۳؛ رلی، ۲۰۱۲).

تحقیق تجربی بعدی حاکی از آن است که بالابودن سطح پذیرش، مقبولیت و گستردگی اینترنت، با پایین بودن سطح فساد ملازم و همراه است. (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۱؛ الباناساوی، ۲۰۱۴؛ لیو، لو و او، ۲۰۱۱). مضافاً اینکه، آگاهی از فساد به‌واسطه اینترنت، به گونه معناداری با اقدامات [علیه] فساد همبستگی دارد. (گوئل و همکاران، ۲۰۱۲). باین‌حال، اثر فسادزدای اینترنت، نسبتاً کم است. (الباناساوی، ۲۰۱۴؛ لیو و همکاران، ۲۰۱۱)

ما بر مبنای ملاحظات نظری و یافته‌های تجربی پیشین، فرض می‌گیریم:

فرض ۲: دسترسی به اینترنت تأثیری منفی بر فساد دارد.

محدود کردن فساد از راه ارائه خدمات دولتی آنلاین

دولت‌ها می‌توانند از فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز برای ارائه خدمات عمومی استفاده نمایند. دولت الکترونیکی، نمونه استفاده بخش عمومی از اینترنت و دیگر دستگاه‌های دیجیتالی برای ارائه خدمات، اطلاعات و ارائه خودِ مردم‌سالاری است. (وست، ۲۰۰۵: ص ۱). فناوری اطلاعات و ارتباطات، می‌تواند در تمام سطوح دولت، بسیار آسان‌تر و به صرفه‌تر به‌کار رود تا اطلاعات و خدمات عمومی را برای شهروندان فراهم آورد. اگرچه ادبیات تجربی محدود است، اما مباحثی چند، بر این نکته تأکید می‌کنند که دولت الکترونیکی هم می‌تواند خطر فساد در بخش عمومی را کاهش دهد و هم به کشف فساد کمک نماید.

دولت الکترونیکی، آزادسازی داده‌های خام و اطلاعات تولیدشده توسط دستگاه‌های دولتی یا منتسب به دستگاه‌های دولتی، به‌منظور بهره‌گیری، استفاده مجدد و بازتوزیع را شامل می‌شود. به این مفهوم اغلب با عنوان «داده‌های باز دولتی» مورداشاره واقع می‌شود. (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۱). هدف «دولت الکترونیکی» به‌طور عام و غرض «داده‌های باز دولتی» به‌طور خاص، اساساً به قوانین آزادی اطلاعات^۲ مربوط می‌شود. داده‌های باز، به اطلاعات مربوط به گردش‌های پولی، خریدهای دولتی، مدیریت سرمایه‌های دولتی و استخدام مشاغل دولتی، اشاره می‌کند. دسترسی به چنین داده‌های خامی، خبرنگاران، دادستان‌ها و فعالان جامعه مدنی را قادر می‌سازند تا به پردازش و معلوم کردن صحت و سقم اطلاعات مربوط به عملیات مالی ناکارآمد و ناسازگاری‌های پنهان منافع و وابستگی‌های مبتنی بر لابی‌گری صاحبان مناصب دولتی، همت گمارند. چه‌بسا استفاده مجدد و بازتوزیع داده‌های دولتی، هنگام گزارش خبر وقوع فساد، شواهد لازم را فراهم آورد. وانگهی، داده‌های باز، خبرگی رسانه‌ها و بازیگران عرصه سیاست را هنگام گفتمان سیاسی افزایش می‌دهد و به متصدیان امور، بازخورد می‌دهد. (گودریچ، ۲۰۱۵؛ گرینیکا، ۲۰۱۴؛ ایزیدبسکی، ۲۰۱۵)

گمان می‌رود که دولت الکترونیکی، فراتر از مزایای داده‌های باز، با افزایش اثر متقابل میان نهادهای اجتماعی و بالا رفتن میزان تعامل میان دولت و جامعه شهروندی، مانع وقوع فساد شود. این تعامل کانال‌های ارتباطی را برای مدیر دولتی گسترش می‌دهد و نظارت عمومی مشارکتی را ممکن می‌سازد. (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۴).

دولت الکترونیکی رابطه میان دو چیز یکی «مأموران دولتی» به‌عنوان واسطه و دیگری «دسترسی حقوق‌بگیران به خدمات عمومی» را با از بین بردن تعامل (یا با محدود کردن تعامل) میان بازیگران مُستعد فساد، کاهش می‌دهد. مضافاً اینکه رویه‌های استاندارد و مورد انتظار که در ارائه هر خدمت دیجیتالی ضروری است، نشان از قوانینی شفاف دارد و تصمیم‌سازی‌های دلبخواهانه مورد به مورد، توسط بازیگران مستعد فساد را کاهش می‌دهد. این قوانین شفاف، درحالی که مجال افشای مفاسد را افزایش می‌دهند، اعمال سلیقه درخصوص رویه‌ها را نیز کم می‌کنند؛ چراکه داده‌های تفصیلی درمورد معاملات، ذخیره و پیگیری می‌شود. از این گذشته، دولت الکترونیکی با توانمندسازی شهروندان برای مشارکت، می‌تواند جامعه مدنی و گروه‌های ذی‌نفع را در تلاشان جهت همکاری در طراحی خط‌مشی‌هایی برای پیشگیری از فساد، کمک نماید. همچنین مسئولیت‌پذیری متقابل شهروندان در مبارزه برضد فساد را هم می‌تواند پیش ببرد. (گ ۲۰، ۲۰۱۵)

شواهد تجربی درباره تأثیر دولت الکترونیکی در کاستن از فساد، چندان زیاد نیست. با این همه، اندرسون (۲۰۰۹) در یک تحلیل ثانوی که در سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ انجام شد نشان می‌دهد که افزایش وجود دولت الکترونیکی اینترنت‌بنیان در وبسایت‌های ملی، به کاهش فساد در کشورهای غیر عضو در «سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی» منجر شد.

کریشان و همکاران (۲۰۱۳) و الباناساوی (۲۰۱۴) دریافتند که بلوغ و آمادگی دولت الکترونیکی فساد را در سطح وسیعی کاهش می‌دهد. الباناساوی (۲۰۱۴) درباره وجود یک تأثیر متقابل میان «آمادگی دولت الکترونیکی» و «پذیرش اینترنت» هم، بحث می‌کند. این هردو در مبارزه برضد فساد مکمل یکدیگر هستند و اگر با هم پدیدار

شوند، می‌توانند تمام استعدادها و توانمندی‌های خود را بسط دهند؛ چراکه ارائه خدمات آنلاین گسترده، اگر اندکی از شهروندان، درواقع، قادر به دسترسی به آن باشند، بی‌ارزش است. بنابراین مفروض می‌گیریم که:

فرض ۳: ارائه خدمات آنلاین دولتی، تأثیر منفی بر فساد دارد.

فرض ۴: ارائه خدمات آنلاین دولتی و دسترسی به اینترنت در تأثیر منفی خود بر فساد، با هم تعامل دارند

اثرات بلندمدت

به‌دلیل ظهور نوآوری‌های اینترنتی فناورانه‌ای همچون سایت‌های شبکه‌های اجتماعی^۱، وبلاگ‌ها، تلفن‌های همراه قابل اتصال به اینترنت و نرم‌افزارهای تلفن همراه، در خلال یک دهه اخیر، اطلاعات از طریق اینترنت، دسترس پذیرتر شده است. بارگزاری‌های ویدئویی غیرحرفه‌ای از شاهدان عینی، وبلاگ‌های سیاسی و خبرنگاری شهروندی، به‌عنوان منابع جدید اطلاعات، بسط یافته است. سایت‌های شبکه‌های اجتماعی^۲ و سایت‌های وبلاگ‌نویسی‌های خُرد^۳، به‌دلیل بُرد جهانی‌شان، ابزارهای جدیدی برای دسترسی و گسترش بیش‌ازپیش اطلاعات فراهم می‌آورند، تا فشار افکار عمومی را علیه مقامات فاسد دولتی به‌کارگیرند.

لیو و همکارانش با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ نتیجه می‌گیرند که: یافته‌های ما حاکی از آن است که اینترنت ظرفیت کاهش فساد را نشان داده است

1 . SNS
2 . SNS
3 . Micro Blogging

اما میزان توان بالقوه و استعداد آن هنوز باید به نحو کامل درک شود. (ص ۴۷) از این رو ما فرض می‌گیریم:

فرض ۵: اثر منفی دسترسی به اینترنت بر فساد، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ افزایش یافت.

دسترسی‌پذیری آنلاین به اطلاعات و خدمات دولتی هم، به همین شکل، در یک دهه اخیر در مقیاس جهانی به گونه‌ی معناداری افزایش یافت. (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۴، ۲۰۱۴). بسیاری از کشورها، در آن بازه‌ی زمانی، قوانین آزادی اطلاعات^۱ را که پیش‌تر به‌منظور کمک برای دستیابی به شفافیت بیشتر دولت و کاهش زمینه‌های بروز فساد ارائه شد، پذیرفتند. (اسلام، ۲۰۰۶؛ نام، ۲۰۱۲). مضافاً اینکه، راهبردهای دولت الکترونیکی، حرفه‌ای شد تا شهروندانی را که پیوسته، بیشتر و بیشتر به تراکشن‌های مالی اینترنتی به‌عنوان بخشی از کارهای مرسوم، عادت کردند، مدیریت کند. (برای نمونه، اظهارنامه مالیاتی آنلاین). بر همین اساس فرض می‌گیریم:

فرض ۶: اثرات منفی ارائه خدمات آنلاین دولتی بر فساد از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ افزایش یافت

روش

بررسی اجمالی و نمونه

ما یک تحلیل فراملی بر روی داده‌های ثانوی، با هدف آزمودن فرضیات، انجام دادیم. نمونه آماری نهایی درمجموع ۱۵۹ کشور را شامل می‌شد:

۱۲۳ کشور مربوط به سال ۲۰۰۳

۱۵۵ کشور مربوط به سال ۲۰۰۸

۱۵۷ کشور مربوط به سال ۲۰۱۳

نمونه‌ها به دنبال طبقه‌بندی سازمان ملل متحد (۲۰۱۶)، مرکب بودند از:

۵۰ کشور از گروه آفریقا

۴۰ کشور از گروه آسیا-اقیانوسیه

۲۲ کشور از گروه اروپای شرقی^۱

۲۴ کشور از گروه آمریکای لاتین و دریای کاریب^۲

۲۳ کشور از اروپای غربی و سایر گروه‌ها^۳ (رجوع شود به فهرست کشورها در بخش

ضمیمه ۱)^۴

مقایسه میانگین مقادیر متغیرهای کلیدی در کشورهای نمونه آماری ما با مقادیر میانگین در ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ تنها شیب اندکی را نشان می‌دهد. مقدار درآمد ناخالص ملی^۵، ۴۳۸/۱۶ در مقابل ۶۹۳/۱۶ دلار آمریکا است؛ امید به زندگی ۶۹/۹ در مقابل ۷۰/۷ سال است؛ آزادی رسانه‌ها ۴۹/۳ در مقابل ۵۲/۵ درجه است (اندیشکدهٔ سرای آزادی، ۲۰۱۵؛ برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵)

1. EEG

2. GRULAC

3. WEOG

۴. از نظر فراوانی کشورها در گروه‌ها، نمونه آماری ما تنها اندکی با نمونه سازمان ملل متحد متفاوت است: ۳۱ درصد نمونه‌ها به گروه آفریقا تعلق دارد در مقابل تعلق ۲۸ درصد از تمام کشورهای سازمان ملل متحد، به گروه آفریقا، ۲۵ درصد در مقابل ۲۸ درصد به گروه آسیا و اقیانوسیه تعلق دارد، ۱۴ درصد در مقابل ۱۲ درصد به گروه اروپای شرقی، ۱۵ درصد در مقابل ۱۷ درصد به گروه آمریکای لاتین و دریای کاریب و ۱۴ درصد در مقابل ۱۵ درصد به اروپای غربی و سایر گروه‌ها.

5. GNI

سنجش‌ها

فساد: مشابه سایر تحلیل‌های فراملی (کاماچ، ۲۰۱۲؛ فریل و همکاران، ۲۰۰۷)، برای سنجش فساد، از شاخص ادراک فساد^۱ استفاده می‌کنیم. سازمان غیردولتی و بین‌المللی شفافیت^۲ از سال ۱۹۹۵، سالانه این شاخص را منتشر می‌کند. شاخص ادراک فساد، داده‌های ادراک محور درباره فساد را شامل می‌شود و بیش از ۱۸۳ کشور را فرامی‌گیرد. مطابق با گزارش شفافیت بین‌الملل (۲۰۱۳)، شاخص ادراک فساد، از ۱۳ منبع مختلف اطلاعاتی در ۱۲ نهاد مختلف که مشاهدات کارشناسانه درباره فساد در خلال دو سال گذشته را گردآوری می‌کنند، بهره می‌گیرد. (بند ۲). مطالعه لیدرمن و همکاران، (۲۰۰۵) همبستگی وثیقی میان این شاخص ادراک فساد (CPI) و سایر شاخص‌های فساد موجود را نشان می‌دهد. اگرچه الکن (۲۰۰۹) میان ادراک فساد و واقعیت فساد، تمایز می‌یابد، اما ما به شاخص ادراک فساد (CPI)، به‌عنوان بهترین وسیله برای سنجش فساد، اعتماد می‌کنیم. از آنجا که بیشتر مفاسد، از دید عادی پنهان است، مشاهده دقیق‌تر، به‌سختی ممکن است و داده‌های مبتنی بر خود اظهاری درباره مفاسد، متأثر از مطلوبیت اجتماعی فرض می‌شود. شاخص ادراک فساد، در یک مقیاس صفر تا صد اندازه‌گیری می‌شود. نمرات اصلی، برعکس شد به گونه‌ای که نمره بالا نمایانگر بالابودن سطح فساد است. به دلیل اختلاف زیاد میان مقیاس‌ها، شاخص ادراک فساد و تمام متغیرهای دیگر، به‌منظور تحلیل آماری، با زدِ اسکور^۳ توزین^۴ شده‌اند.

1. Corruption Perception Index (CPI)

2. TI

۳. Z-score عبارت است از میزان انحراف معیار از میانگین نقطه داده.

4. standardized

آزادی رسانه؛ اطلاعات مربوط به آزادی رسانه‌ها از «شاخص آزادی مطبوعات»^۱ که توسط اندیشکدهٔ سرای آزادی در سال ۲۰۱۵ تهیه شده بود، اخذ شد. این شاخص، تنگنای قانونی (برای مثال قانون آزادی اطلاعات)، سیاسی (برای مثال سانسور) و اقتصادی (برای مثال تمرکز رسانه‌ها) را در خود دارد و در سطح وسیعی مورد استفاده سیاستمداران، دانشگاهیان، خبرنگاران است؛ گونه‌های مختلف رسانه (اعم از روزنامه‌ها، تلویزیون، رادیو و اینترنت) را شامل است؛ و در سطح بالایی با شاخص‌های دیگر سنجش آزادی رسانه‌ها، همبستگی دارد (برای مثال هیئت تحقیق و تبادل بین‌المللی؛ گزارشگران بدون مرز؛ پیکر، تودر و ناصر، ۲۰۰۷). این شاخص‌ها، هم در تحلیل‌های فراملی دارای دامنه جهانی به کار برده شده و هم توصیه شده است. (کاماج، ۲۰۱۲؛ اشنایدر، ۲۰۱۴). هر کشوری یک نمره‌ای میان صفر تا صد دریافت می‌کند. نمرات نخست وارونه شد به گونه‌ای که نمرات بالا نمایانگر نظام رسانه‌ای آزاد باشد. باملاحظه اهداف خاص این پژوهش، یادآوری این نکته را ضروری می‌یابیم که شاخص‌های فرعی محدودیت‌های سیاسی، متضمن پرسشی درباره دسترسی به رسانه است و از این‌رو اندکی با متغیر دسترسی به اینترنت همپوشانی دارد. با این حال، این پرسش در درجه اول معطوف به رسانه‌های سنتی است و برای آن حداکثر ۴ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز مربوط به نمره آزادی رسانه محاسبه می‌شود.

دسترسی به اینترنت؛ منبع داده‌هایی که برای سنجش دسترسی به اینترنت، در این تحقیق به کار می‌رود، «اتحادیه بین‌المللی مخابرات»^۲ است. داده‌ها برای بیش از ۲۰۰ کشور قابل دسترسی است و از راه پرسشنامه سالانه‌ای که برای مخاطبان فعال در

1. PFI

2. ITU

[عرصه] اقتصاد دولتی^۱ ارسال شد، گردآوری می‌گردد. (اتحادیه بین‌المللی مخابرات، ۲۰۱۵). ما از مقادیر توزین‌شده سه متغیر ذیل استفاده کردیم تا شاخص میانگینی برای دسترسی به اینترنت بسازیم؛ درصد کاربران اینترنت، مجموع تعداد سرورهای امن اینترنت و دسترسی به پهنای باند به ازای هر ۱۰۰ نفر. شاخص‌ها، در هر سه سال، سطح بالایی از سازگاری درونی را نشان می‌دهد:

(2003: $\alpha = .83$; 2008: $\alpha = .92$; 2013: $\alpha = .87$)

ارائه خدمات دولتی آنلاین^۲؛ برای سنجش میزان «ارائه خدمات دولتی آنلاین» از پیمایش «دولت الکترونیکی سازمان ملل متحد»^۳ که ۱۹۳ دولت عضو سازمان ملل متحد را دربر دارد، بهره گرفتیم. از «شاخص خدمات آنلاین» (در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸، این شاخص، شاخص سنجش وب نامیده شد) که شاخصی فرعی برای شاخص آمادگی دولت الکترونیکی است، به نحو اخص، استفاده کردیم.

«شاخص خدمات آنلاین» برآوردی تجربی درباره اطلاعات و خدمات آنلاین است که در وبسایت‌های دولتی رسمی قابل دسترسی است. (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۴، ص ۱۹۱-۱۹۶). این تحقق مشخص می‌کند که آیا شهروندان می‌توانند به اطلاعات روزآمد دولت، قوانین، خط‌مشی سیاسی و امثال این‌ها دست‌یابند؟ همچنین می‌سنجد که آیا روش‌های قابل داندود خدمات دولتی، دسترس‌پذیر است، آیا وبسایت‌ها چندزبانه است، آیا ویژگی‌های چندرسانه‌ای را به کار می‌گیرد و آیا دولت، ابزارهای تعاملی را برای سهیم کردن شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی، مهیا می‌کند؟ علاوه بر این‌ها، دسترس‌پذیری خدمات معامله مالی و غیرمالی نیز اندازه‌گیری شد. شاخص توزین شده^۴

1. official economy contacts

2. Governmental Online Service Delivery (GOSD)

3. the United Nations E-Government Survey

4. standardized

از صفر تا یک مرتب می‌شود، به این شکل که مقادیر بالاتر نشان‌دهنده درجه بالاتر «ارائه خدمات دولتی آنلاین» است. بنابه دلایل خوبی (اما متأسفانه برای یک تحقیق تجربی درباره اثرات بلندمدت ارائه خدمات دولتی آنلاین) سنجش شاخص خدمات آنلاین در طول سال‌ها اندکی اصلاح شده است. این [شاخص] به‌منظور انعکاس گرایش‌های رایج درخصوص اطلاعات و نرم‌افزارهای قابل دسترسی، گسترش داده شد. این امر معقول به نظر می‌رسد؛ چرا که راهبردهای دولت الکترونیکی، پیوسته دستخوش تغییر است و حاوی مجموعه ثابتی از ابزارها نیست. هرچند «اثرات بلندمدت» مستلزم آن است که با وسواس علمی تفسیر شود.

کنترل‌ها؛ دخیل کردن متغیرهای کنترل، بر یافته‌های پیشاتجربه‌ای مبتنی است. ما میان توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه سیاسی، تمایز قائلیم. مطالعات نشان داده است که این سطح از توسعه اقتصادی با فساد همبستگی دارد، (مائورو، ۱۹۹۵؛ تریزمن، ۲۰۰۰) به پیشرفت‌هایی در زمینه آزادی بیان منجر می‌شود، (نوریس و زینباور، ۲۰۰۲) و یکی از پیامدهای حتمی دسترسی به اینترنت (امیری و ریف، ۲۰۱۳) و نتیجه ابتکارات دولت الکترونیکی است. (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۴) مقیاس توسعه اقتصادی از شاخص توسعه انسانی^۱ اخذ شد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۲ (۲۰۱۵) سالانه درآمد ناخالص ملی^۳ در ۱۷۴ کشور را موردسنجش قرار می‌دهد. سطح تحصیلات، با آزادی نهاده شده رسانه‌ها، مرتبط نشان داده شده است. (نوریس و زینباور، ۲۰۰۲)

1. Human Development Index (HDI)
 2. United Nations Development Program (UNDP)
 3. Gross National Income (GNI)

لینس‌تدیت و نورن (۲۰۱۰) به این نکته دست یافتند که آزادی رسانه تنها هنگامی که با سطح بالایی از آموزش و پرورش همگانی توأم شود، تأثیر خود را بر فساد می‌گذارد. برخی محققان برای تأیید این فرض که امید به زندگی و افزون بر آن شاخص‌های رفاه اجتماعی با آزادی رسانه‌ها همبستگی دارند، مؤیدهایی فراهم می‌آورند. ما شاخص‌های فرعی «شاخص توسعه انسانی» درباره آموزش (شامل میانگین سال‌های تحصیل در هر کشور و میزان سواد میان بزرگسالان) و امید به زندگی در هنگام تولد (در طی سال‌ها) را برای سنجش توسعه اجتماعی به کار گرفتیم. شاخص آموزش از صفر تا یک تغییر می‌کند به طوری که مقادیر بالا، سطوح بالای توسعه اجتماعی را نشان می‌دهد. برای سنجش توسعه سیاسی، داده‌های خام درباره کیفیت مردم‌سالاری در هر کشور را از پروژه شماره ۴ حکومتداری^۱ گرفتیم. (کاماج، ۲۰۱۲؛ کالین‌برن و لسمن ۲۰۱۳؛ خزائلی و استوکمر، ۲۰۱۳) پایگاه داده، نوع رژیم حاکم را مطابق با تعاریف حداقلی مردم‌سالاری، قابل بهره‌برداری می‌کند. (جاگز و گر، ۱۹۹۵) این مقیاس با توجه به آنچه نهادها ارائه کرده‌اند و با نظر به روش‌هایی که از طریق آن شهروندان می‌توانند سلايق مؤثری درباره سیاست‌های بدیل و رهبران بیان کنند، [و با ملاحظه] وجود محدودیت‌های نهاده شده در زمینه اعمال قدرت توسط مجری، و [با توجه به] تضمین آزادی‌های مدنی برای تمام شهروندان در زندگی روزانه‌شان و در مشارکت سیاسی‌شان، از منفی ۱۰ که مساوی با «استبدادی» است تا مثبت ۱۰ که مساوی با مردم‌سالارانه است، تغییر می‌کند. (مارشال و جاگز، ۲۰۰۷، ص ۱۳)

آمارهای توصیفی درباره میزان فساد و متغیرهای پیشگو را در جدول شماره (۱) می‌توان یافت.

جدول شماره (۱). آمارهای توصیفی میزان فساد و متغیرهای پیشگو

معیارها	2013		2008		2003	
	n	M (SD)	n	M (SD)	n	M (SD)
فساد	177	57.3 (19.9)	180	59.7 (21.1)	131	57.5 (22.9)
آزادی رسانه	196	52.5 (23.6)	195	53.3 (24.5)	193	55.0 (25.4)
درصد کاربران اینترنت	208	43.9 (29.4)	211	29.1 (26.5)	201	17.1 (20.8)
پهنای باند (به ازای هر صد نفر)	209	11.4 (12.8)	208	7.9 (11.0)	198	1.9 (4.1)
خدمات اینترنت امن	200	348.3 (859.4)	189	194.4 (417.3)	145	72.9 (155.7)
ارائه خدمات آنلاین دولتی	193	0.5 (0.3)	192	0.3 (0.23)	190	0.3 (0.2)

نتایج

ما به منظور آزمودن فرضیات، مدل «رگرسیون کم‌ترین توان دوم‌های عادی (OLS) سلسله مراتبی»^۱ را برای هر یک از سال‌های تحت بررسی، محاسبه کردیم. آزمون مربوط به همخطی‌چندگانه^۲، ضمن نشان دادن سطوح مناسب همخطی‌چندگانه، آشکار ساخت که مقادیر عامل تورم واریانس^۳، زیر سطح معیار ۱۰ بودند. (لینداستدت و ناورین، ۲۰۱۰)

مدل رگرسیون مربوط به سال ۲۰۱۳، در مجموع، ۷۹ درصد واریانس در فساد را بیان می‌کند ($R^2 = 0.794$; $p < .001$, Table 2). مجموع متغیرهای کنترل، مبین ۶۸ درصد واریانس، در متغیر وابسته است. با وارد کردن متغیر مستقل «آزادی رسانه»، واریانس بیان شده در این مدل، به گونه معناداری نزدیک به ۶/۲ درصد ($\Delta R^2 = 0.062$, $p < .001$) افزایش می‌یابد. نتیجه منفی مهم ناشی از «آزادی رسانه»،

1. Hierarchical Ordinary Least Squares Regression

2. Multicollinearity

3. Variance Inflation Factor (VIF)

انگاره‌های فرضیه (۱) را تأیید می‌کند. در سومین گام، متغیر مستقل «دسترسی به اینترنت» را وارد کردیم، که به تغییر R^2 از $(p < 0.001)$ 0.036 منجر شد. اثر منفی مهم ناشی از دسترسی به اینترنت بر نمره شاخص ادراک فساد، فرضیه (۲) را تأیید می‌کند. با وارد کردن «ارائه خدمات آنلاین دولتی»^۱، مدل رگرسیون این مقدار 0.9% ($\Delta R^2 = 0.009, p = .012$) از واریانس در فساد را بیشتر توضیح می‌دهد.

مطابق فرضیه شماره (۴) هر چه دسترسی به اطلاعات و خدماتی که دولت مهیا کرده، بهتر باشد، سطح فساد، پایین‌تر خواهد بود. سپس با نگاه به مقادیر بتا، دریافتیم که تأثیر منفی «آزادی رسانه‌ها» ($\beta = -0.360, p < .001$) در مقایسه با تأثیر «دسترسی به اینترنت»، ($\beta = -0.276, p = .009$) و در قیاس با تأثیر «ارائه خدمات آنلاین دولتی» ($\beta = -0.171, p = .001$) بالاتر است. مشابه یافته‌های تجربی پیشین، (تریژمن، ۲۰۰۰) درآمد ناخالص ملی^۲ ($\beta = -0.238, p < .001$) کشور، بر میزان فساد تأثیر معناداری می‌گذارد. فرضیه شماره (۴) تأثیر و تأثر متقابل میان «دسترسی به اینترنت» و «ارائه خدمات آنلاین دولتی» را مفروض گرفت.

در پنجمین گام، متغیر همکنشی^۳ را که ۱ درصد از واریانس در فساد را روشن‌تر بیان می‌کند، به مدل رگرسیون افزودیم ($\Delta R^2 = 0.010, p = .009$). فرضیه شماره (۴) را به خاطر تأثیر منفی مهم ناشی از اثر متقابل در مدل رگرسیون مربوط به فساد، می‌پذیریم.

دو مدل دیگر از «رگرسیون کم‌ترین توان دوم‌های عادی (OLS) سلسله مراتبی»، برای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ را، با پیروی از همین روش، چنانکه پیش‌تر شرح آن

1. GOSD

2. GNI

3. Interaction Variable

گذشت، محاسبه کردیم. (جدول ۲) تا بیازماییم که آیا تأثیر دسترسی به اینترنت از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ افزایش یافت؟ (فرضیه ۵). در تمام این سال‌ها، تأثیر منفی معنادار دسترسی به اینترنت بر فساد را یافتیم. هرچند با مقایسه ضرایب B هر یک از سال‌ها، درمی‌یابیم که این تأثیر از سال ۲۰۰۳ $B = -0.707, 95\% \text{ CI } [-1.070, -]$ تا ۲۰۰۸ (0.345) $B = -0.876, 95\% \text{ CI } [-1.068, -0.683]$ افزایش یافت، اما از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ کاهش یافت. $B = -0.346, 95\% \text{ CI } [-0.604, -]$ (0.087) . از آنجا که بازه‌های اطمینان B در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ همپوشانی داشت، افزایش چشمگیر تأثیر دسترسی به اینترنت در خلال این گستره زمانی برای ما قابل‌پذیرش نبود. درعین حال که بازه‌های اطمینان B ، با نشان دادن اینکه در خلال زمان تأثیر دسترسی به اینترنت بر فساد حتی کاهش یافت، برای سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ همپوشانی هم نداشت. این دستاورد تا حدی با انگاره‌های فرضیه پنجم که ما نتیجتاً ردّ می‌کنیم، در تعارض قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۲) تحلیل رگرسیون OLS سلسله مراتبی
پیش‌بینی فساد^۲ در سال ۲۰۱۳، ۲۰۰۸ و ۲۰۰۳

پیشگو	2013		2008		2003	
	ΔR^2	β	ΔR^2	β	ΔR^2	β
کدام ۱	0.677***		0.596***		0.692***	
مردم‌سالاری ^۳		0.026		0.107		0.193*
درآمد سرانه ملی (GNI) ^۴		-0.238***		-0.166*		-0.480***
آموزش و پرورش ^۵		-0.001		0.123		0.127
امیدیه زندگی ^۶		-0.007		0.005		0.028
کدام ۲	0.062***		0.087***		0.039***	
آزادی رسانه ^۷		-0.360***		-0.238**		-0.230**
کدام ۳	0.036***		0.142***		0.097***	
دسترسی به اینترنت ^۸		-0.276**		-0.718***		-0.555***
کدام ۴	0.009*		0.002		0.000	
ارائه خدمات آنلاین دولتی ^۹		-0.171**		-0.082		-0.015
کدام ۵	0.010**		0.002			
دسترسی به اینترنت * ارائه خدمات آنلاین دولتی		-0.126**		0.060		0.050
R^2 تعدیل‌شده	0.782***		0.820***		0.816***	
N	157		155		123	

فرضیه شماره (۶) افزایش تأثیر «ارائه خدمات آنلاین دولتی» از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ را مفروض گرفت. ما پس از اعمال روش آزمودن مختص خود، بر فرضیه شماره (۵)، اثرات هر سه مدل از رگرسیون را با هم مقایسه کردیم (جدول ۲). برای سال‌های ۲۰۰۳ ($\Delta R^2 = 0.000$, $p = .788$) و ۲۰۰۸ ($\Delta R^2 = 0.002$, $p = .201$) هنگامی که «ارائه خدمات آنلاین دولتی» به مدل رگرسیون مربوطه وارد شد، نتایج ما، هیچ تغییر معناداری در R^2 ، را نشان نمی‌دهد. هرچند درمورد سال ۲۰۱۳، تأثیر منفی معنادار و اندکی که فرضیه شماره (۶) را تأیید کند یافتیم، اما فرضیه شماره (۶) را می‌پذیریم.

^۱ OLS همان «کمترین توان دوم‌های عادی» است. تمام مقادیر، توزین شده میزان انحراف معیار از میانگین نقطه داده هستند.

۲. شاخص ادراک فساد. مقادیر بالاتر فساد بیشتر را نشان می‌دهد.

بحث و بررسی

همانند یافته‌های پیشین، نتایج این مطالعه فراملی، یک رابطه قوی و پایدار، میان آزادی رسانه‌ها و فساد در سطح کشور را در خلال سه سال مختلف نشان می‌دهد. بدین گونه که این امید را تقویت می‌کند که رسانه‌های آزاد وظایف خود را در زمینه امور زیر انجام دهند:

- ✓ پاسخگوسازی مقامات دولتی
- ✓ ایجاد یک جامعه شفاف‌تر
- ✓ برحذر داشتن مفسدین از اقدام غیرقانونی با افزایش خطر قرارگرفتن در معرض بازرسی
- ✓ تقویت قوانین ضدفساد

این نتایج، انگاره‌هایی را هم که کمتر موردتحقیق واقع شده‌است تأیید می‌کند: دسترسی به اینترنت و ارائه آنلاین اطلاعات و خدمات دولتی، به نحو منفی فساد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این حاکی از آن است که دسترسی به اینترنت، وابستگی شهروندان به واسطه‌های سنتی همچون روزنامه‌ها و پخش رادیویی - تلویزیون را کم می‌کند. یک توضیح ممکن، برای این یافته این است که؛ مجاری خبری مستقل بر بستر اینترنت (مثلاً وبلاگ‌ها، خبرنگاری شهروندی، سایت‌های شبکه‌های اجتماعی)، یک نوع محتوایی را تولید می‌کنند که این محتوا برای تحقق کارکردهای اجتماعی که قبلاً توسط روزنامه‌ها محقق می‌شد ضروری است. (سایلز و بُچکووسکی، ۲۰۱۲، ص ۱۳۸۰). این درمورد کارکرد نظارتی رسانه نیز کاربرد دارد. فشار افکار عمومی که افشاگری اینترنتی، می‌تواند ایجاد کند، چه بسا به‌خودی‌خود تبدیل به بازدارنده قدرتمندی شود. مثال موردی رئیس‌جمهور پیشین آلمان فدرال، کریستین ولف، نشان می‌دهد که توان بدنام‌سازی رسانه، خصوصاً رسانه‌های اجتماعی، می‌تواند سیاستمداران را حتی اگر قانوناً هم تبرئه شده باشند، وادار به استعفا کند. با این حال، احتمالاً، اعمال

عواقب شخصی برای مفسد، بستگی به میزان شیوع فساد در کشور مربوطه دارد. هرچند مثال اخیر این را هم نشان می‌دهد که قدرت بدنام‌سازی رسانه، همان‌طور که دستاوردهای فرعی و پنهان خبرنگاران به‌شدت منتقد و کاربران رسانه‌های اجتماعی را برجسته می‌سازد، یک شمشیر دولبه نیز هست. مجموعه اقدامات هدفمندی که به‌صورت نام‌بردن و خوارکردن این چینی، با نشانه‌رفتن انگشتان‌شان به‌سوی تک‌تک اشخاص انجام می‌شود و بر شواهد مشکوک مبتنی است، می‌تواند به‌سرعت به پیش‌داوری‌های عمومی و عواقب ناگوار شخصی مطابق با آن، برای متهم منجر شود.

تقویت دسترسی عموم به داده‌های دولتی، هم آگاهی عمومی را افزایش می‌دهد و هم شواهدی درخصوص بی‌قاعدگی‌ها، ناکارآمدی‌ها و جریان‌های پولی شُبّه‌ناک فراهم می‌آورد. تأمین خدمات عمومی الکترونیک، به‌صورت آنلاین، برای شهروندان، برای کسب‌وکار و برای دیگر دفاتر نمایندگی دولتی، ضرورت مواجهه‌های رودررو، میان شهروندان با دولتمردان را کاهش می‌دهد. همچنین موقعیت‌های ارائه پیشنهاد رشوه یا اخذ رشوه را برای دولتمردان فاسد مستعد، محدود می‌کند. روش‌های رسمی دولتی، برای فهم شهروندان، شفاف‌تر و آسان‌تر می‌شود و به نحو بالقوه با اقدام قانونی، می‌توانند تقویت شوند. هنگامی که بخش عظیمی از جمعیت عملاً امکان دسترسی به اطلاعات و خدمات را دارند، این مفیدترین طرز کار است. این اثر فعل‌وانفعالی معنادار، میان «دسترسی به اینترنت» و «ارائه خدمات آنلاین دولتی» نشان می‌دهد که هر دو عامل یکدیگر را در مبارزه بر ضد فساد تکمیل می‌کنند. نتیجه می‌گیریم که در خلال این بحث نظری، خواه اینترنت مردم‌سالاری‌سازی^۱ را رشد دهد یا خواه با تحمیل محدودیت‌های پیشین بر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، رژیم‌های استبدادی را تقویت کند (رُود و ویدمن، ۲۰۱۵، ص ۳۳۹)، شواهد تجربی این مطالعه، این فرض را تأیید می‌نماید که اینترنت وسیله مهمی برای کاهش فساد بشمار می‌آید.

به واسطه افزایش جهانی و سریع دسترسی به اینترنت در خلال یک دهه اخیر و ظهور فناوری‌های جدیدی همچون رسانه‌های اجتماعی، فرض کردیم که اثر دسترسی به اینترنت بر فساد در خلال زمان افزایش خواهد یافت. اما نتایج مطالعات ما نشان می‌دهد که میزان تأثیر منفی، نسبتاً پایدار است و در عوض از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ کاهش یافته است. ما به سبب وقفه زمانی نسبتاً طولانی، باید نتایج طولی^۱ را با احتیاط تفسیر کنیم. یک تبیین محتمل برای این یافته این است که چه‌بسا توان تأثیرگذاری رسانه‌های اجتماعی، هنگامی که برای نخستین بار بروز می‌کند، دست‌بالا گرفته شده باشد. اینکه انتظارات از توان رسانه‌های اجتماعی به‌تنهایی، دولتمردان را از ورود به فساد به دلیل ترسشان از قرار گرفتن در معرض خیل عظیمی از جمعیت، برحذر می‌دارد، مسئله‌ای قابل بحث است. به هر حال، اینترنت ممکن نیست در خلال این سال‌ها، این انتظارات بالا را برآورده کرده باشد، به‌طوری که تأثیر بازرندگی آن بر فساد کاهش یافت. مضافاً اینکه، ممکن است رژیم‌های استبدادی و فاسد، با تحمیل محدودیت‌های بیشتر، مدیریت خشم مردم و بی‌اثر کردن اتهامات فساد، چگونگی به‌کارگیری اینترنت به سود خود را آموخته باشند. (مک‌کینن، ۲۰۰۷؛ رُود و ویدمن، ۲۰۱۵؛ توپفل، ۲۰۱۱).

هَسید (۲۰۱۲)، از استعاره «سوپاپ اطمینان» استفاده می‌کند تا فرایندی را توصیف کند که رژیم‌ها به کار می‌برند تا به شهروندان اجازه تخلیه فشار، از طریق اینترنت، بدون به خطر انداختن ساختارهای فاسد موجود، را بدهند. همین‌طور انتظار داشتیم که اثر منفی ارائه خدمات آنلاین دولتی، در طول زمان افزایش یابد.

در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ ارائه خدمات آنلاین دولتی تأثیری بر فساد ندارد، اما در سال ۲۰۱۳ تأثیر منفی معناداری بر فساد داشت. دلیل آوردیم که ارائه خدمات آنلاین دولتی، در سال‌های نخستین تحلیل ما، از جهت جهانی، بسیار محدودتر از آن شد که به نحو

معنادار در مبارزه بر ضد فساد سهیم باشد. قانون آزادی اطلاعات^۱، به نحو وسیعی در طول بازه زمانی مورد بررسی، گسترش یافت. این پیشرفت‌ها، در چارچوب قانونی، ممکن است با دسترسی رو به افزایش به خدمات آنلاین دولتی، درحالی‌که طیف گسترده‌ای از داده‌های باز را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای بسیار عالی پیوند داده شود، و ابزارهای روزافزون ضد فساد را همراه آورد. (اسلام، ۲۰۰۶؛ نام، ۲۰۱۲). نه تنها تأمین دولت الکترونیکی در خلال سال‌های گذشته افزایش یافت (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۴، ۲۰۱۴)، بلکه مردم هم آموختند که چگونه از آن خدمات بهره‌گیرند و آن خدمات را با کارهای روزانه خود مطابقت دادند.

این مقاله، برای این پرسش که «چرا دسترسی به اینترنت می‌تواند به پایین آوردن سطوح فساد در کشورها کمک کند؟»، مباحث نظری فراهم می‌کند، اما تحلیل تجربی نشان می‌دهد که برای این تأثیر، نه هیچ‌یک از ابعاد خاص محاسبه می‌شود و نه به آن مرحله‌ای که این تأثیرها در آن رخ می‌دهد، منتج می‌گردد. تحقیق دیگری لازم است تا به عواملی که بنابر فرض نقش فناوری‌های نو در کاستن از فساد را شکل می‌دهد و به اهمیت نسبی این عوامل در رابطه با یکدیگر بپردازد. تحقیق یادشده می‌تواند متضمن این مطلب باشد که چگونگی دسترسی به محتوای خبرنگاران^۲ حرفه‌ای و اطلاعات شخصی در رسانه‌های اجتماعی، فساد را محدود می‌کند. تاکنون، به دلیل فقدان داده‌های مقایسه‌ای، این نقش رسانه‌های اجتماعی در «تحقیق تجربی فراملی» درباره فساد، مغفول واقع شده است. علاوه بر این، استعداد و آمادگی فناوری‌های جدید در بسیج شهروندان برای اعتراض عمومی و ظهور جنبش‌های مدنی فناورانه، مستلزم توجه بیشتر است. تأثیر جنبش‌های مدنی فناورانه‌ای همچون بنیاد «سان لایت»^۳ یا بنیاد «اُپن نالچ»^۳ بر فساد، صراحتاً مورد تحقیق واقع می‌شود. وبسایت‌هایی از قبیل

1. FOIL

2. The Sunlight Foundation

3. The Open Knowledge Foundation

«ipaidabribe.com» و «bribespot.com» شهروندان را تشویق می‌کند تا مواجهه‌های شخصی با فساد و نمونه‌های فساد را گزارش کنند. به‌منظور تخمین‌زدن پیامدهای چنین ابتکاراتی درمورد فساد و برای فهم نقش اینترنت در شکل‌دهی به هنجارهای اجتماعی درباره فساد، تحلیل‌های بعدی لازم است. جدای از این، چه‌بسا، تحقیق بعدی درباره اثرات رسانه، بخواد میان شکل‌های مختلف فساد به‌عنوان متغیر وابسته تمایز قائل شود؛ به‌عنوان مثال، میان فساد جمعی با فساد شخصی (آرگاندونیا، ۲۰۰۳) یا فساد فردی با فساد بینافردی (کوی‌پس، ون‌پروین، ریگتی و ون‌لنگ، ۲۰۱۶). می‌توان مفروض گرفت که فناوری ارتباطات و اطلاعات نقش‌های مختلفی در این زمینه‌ها ایفا می‌کند. برای نشانه‌گیری به سمت اثرات بالقوه رسانه‌ها بر فساد، متغیرهای مداخله‌گر دیگری باید لحاظ شوند که فساد را در سطح کلان تبیین می‌کنند؛ متغیرهایی همچون اقتصاد سیاسی رسانه، سیستم‌های سیاسی مختلف، سطح متداول حرفه‌ای‌گری خبرنگارانه^۱ و سطح رشد فناوریانه. با این حال، بسیاری از متغیرهای مهم کنترل، فاقد داده‌های مقایسه‌ای با گستره جهانی هستند.

این تحقیق محدودیت‌هایی دارد. همچون بیشتر تحلیل‌های فراملی و طولی^۲، که در آن‌ها، درعین‌حال که مجموعه‌ای کوچکی از مقادیر مرتبط با ساختارها، به محققان تحمیل می‌شود، دسترس‌پذیری به داده‌ها محدود است.

این تحقیق بهره‌گیری از شاخص‌های بسیار فشرده مأخوذ از منابع مختلف (کاماج، ۲۰۱۲، ص ۱۷) و استفاده از داده‌های ثانوی که برخی از آن‌ها در درجه نخست، برای مقاصد نظری گردآوری نشده‌اند، را نیز درخود دارد. افزون بر این، متغیرهای کلیدی همچون «شاخص آزادی مطبوعات»^۳ و «شاخص ادراک فساد»^۴ دستخوش آسیب تعصب و جانبداری بالقوه هستند؛ چراکه بر داده‌های ادراک بنیان، تکیه می‌کنند و

1. journalistic professionalism

2. Longitudinal Analyses

3. PFI

4. Corruption Perception Index (CPI)

«شاخص ادراک فساد» موردی را که رسانه‌ها خودشان در دام فساد گرفتار می‌شوند، به‌روشنی و صراحت، در نظر نمی‌گیرد. با این حال، داده‌های مأخوذ از بارومتر فساد جهانی^۱، نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در ۱۰۰ کشور، رسانه را اساساً کم فسادتر از امثال احزاب سیاسی، مجلس، مقامات دولتی یا قوه قضائیه، می‌دانند. (شفافیت بین‌الملل، ۲۰۱۱).

تحلیل‌های آماری، به‌منظور استخراج نتایج عمیق‌تر درباره اثرات بلندمدت، نیازمند نقاط سنجش بیشتر، در فواصل زمانی کمتر هستند. از این‌رو، دستاوردهای ما، به‌عنوان نقطه آغازین برای فهم چگونگی تأثیر رسانه‌ها و خصوصاً اینترنت، بر فساد در طول زمان، به‌کار می‌آید. اگرچه سطوح هم‌خطی‌چندگانه در داده‌ها پذیرفتنی است، اما هنوز هم تاحدی بالا هستند، که ممکن است اثرات منتسب به هر یک از متغیرها را بی‌اعتبار نمایند. (لینداستد و ناورین، ۲۰۱۰). بنابراین، از تفسیر ابعاد این تأثیر در قیاس با یکدیگر خودداری می‌کنیم. این راهبرد مختار برای تحلیل، ما را به یک آزمون محافظه‌کارانه برای فرضیه مجهز می‌کند. هیچ‌گونه تأثیری از جانب متغیرهای مستقلی که واریانس را با متغیرهای کنترل به اشتراک می‌گذارد، به‌صورت آماری قابل تشخیص نیست. با این حال، درمورد تأثیرات عمده آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین دولتی، غلو نشده و صرفاً اثراتی را نشان می‌دهد که از اصول کلی حکمرانی مردم‌سالارانه و رفاه اقتصادی و اجتماعی فراتر می‌رود.

مبارزه جهانی علیه فساد، مستلزم تلاش جمعی برای تضعیف فساد، کشف اعمال ناصحیح و پیمودن مسیر پیگرد قانونی است. رسانه‌ها می‌توانند به نحو قابل‌توجهی این هدف را تقویت کنند. همچون دیگر چالش‌های اجتماعی، درمورد اهمیت آزادی رسانه، [و نقش آن] در مبارزه برای دستیابی به حکمرانی بهتر، نمی‌توان غلو کرد.

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، ابزارهای امیدبخش بیشتری علیه فساد را با خود می‌آورد؛ از این رو، به‌کارگیری زیرساخت فناورانه و ابزارهای اقتصادی-اجتماعی، برای دسترسی شهروندان به اینترنت، باید در تصمیم‌سازی‌های سیاسی، به نحو قابل ملاحظه‌ای به رسمیت شناخته شود. کاهش موانع فناورانه، و افزایش تلفن‌های همراه قابل اتصال به اینترنت، توان بالقوه و بالایی را در تضمین دسترسی به اینترنت برای جمع روبه‌ازدیادی از شهروندان در مقیاس جهانی، فراهم می‌آورد. سیاست‌گذاران، به‌منظور به‌کارگیری منابع بیشتر، در راستای اجرای دولت الکترونیکی، به‌عنوان ابزاری مقرون‌به‌صرفه و تأثیرگذار برای مبارزه علیه فساد، در تمام سطوح دولتی، به‌خوبی آگاه خواهند شد.

منابع فارسی

- پورعزت، علی‌اصغر، طاهری عطار، غزاله، ۱۳۹۲، سازمان‌دهی و طراحی ساختار، تهران، سمت.
- رضائیان، علی، ۱۳۸۳، اصول مدیریت، تهران، سمت.
- قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، مصوب ۱۳۹۰/۸/۷، بند الف ماده ۱.
- ساعی، منصور، طرح پژوهشی «شناسایی موانع فراروی رسانه‌های جمعی در نقش‌آفرینی نظارتی بر سازمان‌های دولتی»، سازمان بازرسی کل کشور (مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد)، سال ۱۳۹۱.

منابع انگلیسی

- https://www.transparency.org/news/feature/what_is_grand_corruption_and_how_can_we_stop_it [2017/17/10];
- Ahrend, R. (2002). Press freedom, human capital and corruption. DELTA Working Paper Series No. 2002–11. Paris, France: Delta.
- Amiri, S., & Reif, B. (2013). Internet penetration and its correlation to gross domestic product: An analysis of the Nordic countries. *International Journal of Business, Humanities and Technology*, 3(2), 50–60.
- Andersen, T. B. (2009). E-government as an anti-corruption strategy. *Information Economics and Policy*, 21(2), 201–210. doi:10.1016/j.infoecopol.2008.11.003
- Andersen, T. B., Bentzen, J., Dalgaard, C. J., & Selaya, R. (2011). Does the Internet reduce corruption? Evidence from U.S. states and across countries. *The World Bank Economic Review*, 25(3), 387–417. doi:10.1093/wber/lhr025
- Argandoña, A. (2003). Private-to-private corruption. *Journal of Business Ethics*, 47, 253–267. doi:10.1023/A:1026266219609
- Becker, G. S. (1974). Crime and punishment: An economic approach. In G. S. Becker & W. M. Landes (Eds.), *Essays in the economics of crime and punishment* (pp. 1–54). New York, NY: National Bureau of Economic Research.
- Becker, L. B., Tudor, V., & Nusser, N. (2007). An evaluation of press freedom indicators. *International Communication Gazette*, 69(1), 5–28. doi:10.1177/1748048507072774
- Bertot, J. C., Jaeger, P. T., & Grimes, J. M. (2010). Using ICTs to create a culture of transparency: E-government and social media as openness and anti-corruption tools for societies. *Government Information Quarterly*, 27(3), 264–271. doi:10.1016/j.giq.2010.03.001
- Besley, T., & Burgess, R. (2002). The political economy of government responsiveness: Theory and evidence from India. *Quarterly Journal of Economics*, 117(4), 1415–1451. doi:10.1162/003355302320935061

- Besley, T., & Prat, A. (2006). Handcuffs for the grabbing hand? Media capture and government accountability. *The American Economic Review*, 96(3), 720–736. doi:10.1257/aer.96.3.720
- Bhatnagar, S. (2003). *E-government and access to information: Global corruption report 2003*. Washington, DC: Transparency International.
- Brunetti, A., & Weder, B. (2003). A free press is bad news for corruption. *Journal of Public Economics*, 87(7–8), 1801–1824. doi:10.1016/S0047-2727(01)00186-4
- Camaj, L. (2012). The media's role in fighting corruption: Media effects on governmental accountability. *The International Journal of Press/Politics*, 18(1), 21–42. doi:10.1177/1940161212462741
- Dahlberg, L. (2007). Rethinking the fragmentation of the cyberpublic: From consensus to contestation. *New Media & Society*, 9(5), 827–847. doi:10.1177/1461444807081228
- Djankov, S., McLeish, C., Nenova, T., & Shleifer, A. (2003). Who owns the media? *The Journal of Law and Economics*, 46(2), 341–382. doi:10.3386/w8288
- Dosenrode, S. (2010). Approaching the questions of freedom of the press, censorship, self-censorship, and press ethics. In S. Dosenrode (Ed.), *Freedom of the press —On censorship, self-censorship, and press ethics* (pp. 11–20). Baden-Baden, Germany: Nomos.
- Elbahnasawy, N. G. (2014). E-government, Internet adoption, and corruption: An empirical investigation. *World Development*, 57, 114–126. doi:10.1016/j.worlddev.2013.12.005
- Fisman, R., & Miguel, E. (2008) *Economic gangsters: Corruption, violence and the poverty of nations*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Freedom House. (2015). *Freedom of the press 2015*. Retrieved from <https://freedomhouse.org/report-types/freedom-press>
- Freille, S., Haque, E., & Kneller, R. (2007). A contribution to the empirics of press freedom and corruption. *European Journal of Political Economy*, 23(4), 838–862. doi:10.1016/j.ejpoleco.2007.03.002
- Goel, R. K., Nelson, M. A., & Naretta, M. A. (2012). The Internet as an indicator of corruption awareness. *European Journal of*

Political Economy, 28(1), 64–75.

doi:10.1016/j.ejpoleco.2011.08.003

- Goodrich, S. (2015). *How open data can help tackle corruption*. Transparency International. Retrieved from <http://www.transparency.org.uk/wp-content/plugins/download-attachments/includes/download.php?id=1505>
- Granickas, K. (2014). *Open data as a tool to fight corruption*. European Public Sector Information Platform Topic Report No. 2014/04. Retrieved from https://www.europeandataportal.eu/sites/default/files/library/201404_open_data_as_a_tool_to_fight_corruption.pdf
- G20. (2015). *Introductory note to the G20 anti-corruption open data principles*. Retrieved from <http://www.g20.utoronto.ca/2015/G20-Anti-Corruption-Open-Data-Principles.pdf>
- Hassid, J. (2012). Safety valve or pressure cooker? Blogs in Chinese political life. *Journal of Communication*, 62(2), 212–230. doi:10.1111/j.1460-2466.2012.01634.x
- Hellman, J. S., Jones, G., Kaufmann, D., & Schankerman, M. (1999). Measuring governance, corruption, and state capture: How firms and bureaucrats shape the business environment in transition economies. *World Bank Policy Working Paper*. Washington, DC: World Bank.
- International Telecommunication Union. (2015). *World telecommunication/ICT indicators database*. Retrieved from <http://www.itu.int/en/ITU-D/Statistics/Pages/publications/wtid.aspx>
- Islam, R. (2006). Does more transparency go along with better governance? *Economics and Politics*, 18(2), 121–167. doi:10.1111/j.1468-0343.2006.00166.x
- Izdebski, K. (2015). *Transparency and open data principles: Why they are important and how they increase public participation and tackle corruption*. Transparencee. Retrieved from <http://transparencee.org/wp-content/uploads/2015/12/open-data-principles-by-krzysztof-izdebski.pdf>

- Jagers, K., & Gurr, T. R. (1995). Tracking democracy's third wave with Polity III data. *Journal of Peace Research*, 32(4), 469–482. doi:10.1177/0022343395032004007
- Kalenborn, C., & Lessmann, C. (2013). The impact of democracy and press freedom on corruption: Conditionality matters. *Journal of Policy Modeling*, 35(6), 857–886. doi:10.1016/j.jpolmod.2013.02.009
- Khazaeli, S., & Stockemer, D. (2013). The Internet: A new route to good governance. *International Political Science Review*, 34(5), 463–482. doi:10.1177/0192512113494728
- Köbis, N. C., van Prooijen, J.-W., Righetti, F., & van Lange, P. A. M. (2015). “Who doesn't?”—The impact of descriptive norms on corruption. *PloS One*, 10(6), e0131830. doi:10.1371/journal.pone.0131830
- Köbis, N. C., van Prooijen, J.-W., Righetti, F., & van Lange, P. A. M. (2016). Prospection in individual and interpersonal corruption dilemmas. *Review of General Psychology*, 20(1), 71–85. doi:http://dx.doi.org/10.1037/gpr0000069
- Kolstad, I., & Wiig, A. (2009). Is transparency the key to reducing corruption in resource-rich countries? *World Development*, 37(3), 521–532. doi:10.1016/j.worlddev.2008.07.002
- Krishnan, S., Teo, T., & Lim, V. (2013). Examining the relationships among e-government maturity, corruption, economic prosperity and environmental degradation: A cross-country analysis. *Information & Management* 50(8), 638–649. doi:10.1016/j.im.2013.07.003
- Lederman, D., Loayza, N. V., & Soares, R. R. (2005). Accountability and corruption: Political institutions matter. *Economics & Politics*, 17(1), 1–35. doi:10.1111/j.1468-0343.2005.00145.x
- Lindstedt, C., & Naurin, D. (2010). Transparency is not enough: Making transparency effective in reducing corruption. *International Political Science Review*, 31(3), 301–322. doi:10.1177/0192512110377602
- Lio, M. C., Liu, M. C., & Ou, Y. P. (2011). Can the Internet reduce corruption? A cross-country study based on dynamic panel

- data models. *Government Information Quarterly*, 28(1), 47–53. doi:10.1016/j.giq.2010.01.005
- MacKinnon, R. (2007). Flatter world and thicker walls? Blogs, censorship and civic discourse in China. *Public Choice*, 134(1), 31–46. doi:10.1007/s11127-007-9199-0
 - Marshall, M. G., & Jaggers, K. (2007). *Polity IV project: Political regime characteristics and transitions, 1800–2006*. Retrieved from http://home.bi.no/a0110709/PolityIV_manual.pdf
 - Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The Quarterly Journal of Economics*, 110(3), 681–712. doi:10.2307/2946696
 - Nam, T. (2012). Freedom of information legislation and its impact on press freedom: A cross-national study. *Government Information Quarterly*, 29(4), 521–531. doi:10.1016/j.giq.2012.03.003
 - Norris, P. (2004). Global political communication. Good governance, human development and mass communication. In F. Esser & B. Pfetsch (Eds.), *Comparing political communication: Theories, cases and challenges* (pp. 115–150). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
 - Norris, P., & Zinnbauer, D. (2002). *Giving voice to the voiceless: Good governance, human development & mass communications*. New York, NY: United Nations Development Programme.
 - Nye, J. (1967). Corruption and political development: A cost-benefit analysis. *American Political Science Review*, 61(2), 417–427. doi:10.2307/1953254
 - Olken, B. A. (2009). Corruption perceptions vs. corruption reality. *Journal of Public Economics*, 93(7–8), 950–964. doi:10.1016/j.jpubeco.2009.03.001
 - Organisation for Economic Cooperation and Development. (2015). *Open government data*. Retrieved from <http://www.oecd.org/innovation/public-innovation/opengovernmentdata.htm>
 - Persson, A., Rothstein, B., & Teorell, J. (2013). Why anticorruption reforms fail: Systemic corruption as a collective action problem. *Governance*, 26(3), 449–471. doi:10.1111/j.1468-0491.2012.01604.x

- Reinikka, R., & Svensson, J. (2004). *The power of information: Evidence from a newspaper campaign to reduce capture* (Policy Research Working Paper No. 3239). Washington, DC: World Bank.
- Relly, J. E. (2012). Examining a model of vertical accountability: A cross-national study of the influence of information access on the control of corruption. *Government Information Quarterly*, 29(3), 335–345. doi:10.1016/j.giq.2012.02.011
- Rød, E. G., & Weidmann, N. B. (2015). Empowering activists or autocrats? The Internet in authoritarian regimes. *Journal of Peace Research*, 52(3), 338–351. doi:10.1177/0022343314555782
- Schedler, A. (1999). Conceptualizing accountability. In A. Schedler, L. Diamond, & M. F. Plattner (Eds.), *The self-restraining state* (pp. 13–28). Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Schneider, L. (2014). *Media freedom indices: What they tell us—and what they don't*. Retrieved from <http://www.dw.com/popups/pdf/37157168/01-2014-media-freedom-indices-pdf.pdf>
- Siles, I., & Boczkowski, P. J. (2012). Making sense of the newspaper crisis: A critical assessment of existing research and an agenda for future work. *New Media & Society*, 14(8), 1375–1394. doi:10.1177/1461444812455148
- Staphenurst, R. (2000). *The media's role in curbing corruption*. Washington, DC: World Bank Institute.
- Sullivan, J. (2013). China's Weibo: Is faster different? *New Media & Society*, 16(1), 24–37. doi:10.1177/1461444812472966
- Suphachalasai, S. (2005). *Bureaucratic corruption and mass media* (Research Paper No. 05, Environmental Economy and Policy). Cambridge, UK: University of Cambridge.
- Toepfl, F. (2011). Managing public outrage: Power, scandal, and new media in contemporary Russia. *New Media & Society*, 13(8), 1301–1319. doi:10.1177/1461444811405021
- Tran, H., Mahmood, R., Du, Y., & Khrapavitski, A. (2011). Linking measures of global press freedom to development and culture: Implications from a comparative analysis. *International Journal of Communication*, 5, 170–191.

- Transparency International. (2011). *Global Corruption Barometer 2010/2011*. Retrieved from <http://www.transparency.org/gcb201011/results>
- Transparency International. (2013). *Corruption perceptions index 2013*. Retrieved from <http://www.transparency.de/Methodologische-Hinweise.2397.0.html>
- Treisman, D. (2000). The causes of corruption: A cross national study. *Journal of Public Economics*, 76(3), 399–457. doi:10.1016/S0047-2727(99)00092-4
- Tufekci, Z., & Wilson, C. (2012). Social media and the decision to participate in political protest: Observations from Tahrir Square. *Journal of Communication*, 62(2), 363–379. doi:10.1111/j.1460-2466.2012.01629.x
- United Nations. (2004). *United Nations e-government survey 2004*. Retrieved from <http://unpan3.un.org/egovkb/portals/egovkb/Documents/un/2004-Survey/Complete-Survey.pdf>
- United Nations. (2014). *United Nations e-government survey 2014*. Retrieved from http://unpan3.un.org/egovkb/Portals/egovkb/Documents/un/2014-Survey/E-Gov_Complete_Survey-2014.pdf
- United Nations. (2016). *United Nations regional groups of member states*. Retrieved from <http://www.un.org/depts/DGACM/RegionalGroups.shtml>
- United Nations Development Programme. (2008). *Tackling corruption, transforming lives: Accelerating human development in Asia and the Pacific*. New Delhi, India: Macmillan.
- United Nations Development Programme. (2015). *Human development reports—data*. Retrieved from <http://hdr.undp.org/en/data>
- Vaidya, S. (2005). Corruption in the Media's Gaze. *European Journal of Political Economy*, 21(3), 667–87.
- West, D. M. (2005). *Digital government: Technology and public sector performance*. Princeton, NJ: Princeton University Press

گزشت پژوهشی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اسلامی و مبارزه با فساد

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپید قرنی
سازمان پاورسی گل کشور، طبقه ششم

شماره تماس: ۶۱۶۶۱۶۰۷

نشانی الکترونیک: bazrasi.research@136.ir

www.bazresi.ir